



مهروماه



هومان



• درسنامه های جامع و تحلیل کامل متن و تمرین به سبک کتابنامه

• بیش از ۳۲۰۰ سؤال متنوع امتحانی

خلاصه کپسولی



+ ۱۳ کاربرگ امتحانی



این کتاب، ادای دین کوچکی به مادری بزرگوار است که تمام زندگی‌اش را وقف من نموده است.

یکی از چالش‌های امتحانات نهایی، ماهیت تشریحی آن‌هاست. در آزمون‌های تستی، با نگاه به گزینه‌ها می‌توان سرنخ‌هایی برای رسیدن به پاسخ پیدا کرد، اما در امتحانات تشریحی، دانش‌آموز باید تمام مطالب را به‌طور دقیق به یاد داشته باشد و به‌صورت منسجم و صحیح بنویسد. این موضوع، اهمیت تسلط کامل بر قواعد، ترجمه متون و درک مفاهیم را دوچندان می‌کند.

با توجه به این توضیحات، شما به کتابی نیاز دارید که هم مطالب اصلی کتاب درسی را به‌طور کامل پوشش دهد و هم سؤالات متنوع و سطح بالاتری را برای آمادگی کامل شما ارائه کند؛ همچنین این کتاب باید کاملاً با چارچوب امتحانات تشریحی هماهنگ باشد.

تلاش ما در دیارتمان عربی انتشارات مهرماه بر این بوده است که کتاب حاضر، تمام نیازهای شما را برای کسب نمره ۲۰ در امتحان نهایی عربی یازدهم برآورده کند. با مطالعه این کتاب، شما به درسنامه‌های جامع، تمرین‌های متنوع، نمونه سؤالات امتحانی و پاسخ‌های تشریحی آن‌ها دسترسی خواهید داشت.

کسب نمره ۲۰ در امتحان، نیازمند آمادگی کامل و داشتن تمامی ابزارهای لازم است؛ از درسنامه‌های جامع و دقیق گرفته تا پرسش‌های متنوع و آزمون‌های شبیه‌ساز. حال بیایید ببینیم درون کتاب **بیست‌پکی** چه خبر است و با چه بخش‌هایی در آن روبه‌رو هستیم.

بخش اول: کتاب پرسؤال این بخش شامل قسمت‌های متنوع و کاربردی است که به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم:

۱- **درسنامه:** در ابتدای هر درس، قواعد مربوط به آن به‌صورت کامل و با مثال‌های متعدد و توضیحات جامع بررسی شده است. تلاش شده تا محتوای درسنامه دقیقاً مطابق با محتوای کتاب درسی و چارچوب آزمون‌های کلاسی و نهایی باشد و از پرداختن به مطالب خارج از کتاب خودداری شود. در ادامه درسنامه، تمامی لغات، مترادف‌ها، متضادها و جمع‌های مکسر کل درس به‌صورت منظم و الفبایی دسته‌بندی شده‌اند. این ویژگی به شما کمک می‌کند تا به‌راحتی به تمامی واژگان مورد نیاز برای امتحان دسترسی پیدا کنید.

۲- **کتابنامه:** این بخش، قلب تپنده کتاب ماست و ویژگی منحصر به فردی است که آن را از سایر کتاب‌های موجود در بازار متمایز می‌کند. در این قسمت، کلمه به کلمه کتاب درسی، اعم از متن درس، تمرین‌ها و... به‌طور دقیق و موشکافانه کالبدشکافی شده است. به این معنی که هر کلمه، هم ترجمه شده و هم نقش آن در جمله (فاعل، مفعول، صفت و...) به‌طور کامل مشخص شده است. علاوه بر این، از نظر قواعدی نیز تمام زوایای آن کلمه بررسی و تحلیل شده است. این ویژگی بی‌نظیر که در هیچ کتاب کمک‌آموزشی دیگری یافت نمی‌شود، به شما کمک می‌کند تا تسلط کاملی بر متن کتاب درسی پیدا کنید. مطمئن باشید که با استفاده از این بخش، دیگر هیچ ابهامی در مورد معنی و نقش کلمات در جملات کتاب درسی برای شما باقی نخواهد ماند.

۳- **پرسش‌های تشریحی:** در این بخش، حدود ۲۵۰۰ پرسش با کیفیت و استاندارد، شامل پرسش‌های هدفمند و تألیفی، گردآوری شده است. این پرسش‌ها شامل پرسش‌های آزمون‌های نهایی و شبه‌نهایی سال‌های گذشته و همچنین پرسش‌های تألیفی است. پرسش‌های دشوارتر با علامت **۶۲۰** مشخص شده‌اند تا شما بتوانید سطح دشواری آن‌ها را تشخیص دهید. نکته مهم در مورد پرسش‌ها، چینش، دسته‌بندی و تقسیم موضوعی آن‌هاست. به این ترتیب که در هر درس، پرسش‌های متنوعی از موضوعات مختلف مانند لغات و ترجمه، متضاد و مترادف، قواعد پایه و... وجود دارد. این امر به شما کمک می‌کند تا به‌راحتی نقاط قوت و ضعف خود را در هر موضوع شناسایی کنید.

۴- **پاسخنامه:** در بخش پایانی کتاب پرسؤال، پاسخ‌های کاملاً تشریحی به تمامی پرسش‌های مطرح‌شده در کتاب ارائه شده است. علاوه بر این، در خلال پاسخ‌ها، هر جا که نیاز بوده، با عناوینی مانند **یادآوری**، **تذکره**، **نکته**، و... به مرور و بررسی مجدد مطالب پرداخته شده است. همچنین به نحوه پاسخ‌نویسی در آزمون‌های نهایی نیز توجه شده است.

بخش دوم: کتاب کاربرگ امتحانی این بخش شامل موارد زیر است:

۱- **آزمون‌های درس به درس:** این آزمون‌ها به سبک و سیاق آزمون‌های نهایی طراحی شده‌اند و تلاش شده تا تمامی نکات مهم و پرتکرار هر درس در قالب این آزمون‌ها گنجانده شود. بنابراین پس از مطالعه هر درس، یک آزمون شبیه به آزمون‌های نهایی در انتظار شماست.

۲- **آزمون‌های جامع:** پس از آزمون‌های درس به درس، شش آزمون جامع قرار داده شده است. این آزمون‌ها شامل آزمون‌های تألیفی برای نیم‌سال اول و پایان سال است. توصیه می‌شود پس از مطالعه کل کتاب، به این آزمون‌ها پاسخ دهید.

بخش سوم: کتابچه خلاصه کپسولی این بخش شامل خلاصه‌ای جامع و مفید از مهم‌ترین مطالب کتاب درسی است. در این بخش، هر آنچه که برای مرور سریع و جمع‌بندی مطالب نیاز دارید، از لغات و قواعد پایه گرفته تا تکنیک‌های ترجمه و نکات مهم مربوط به قواعد یازدهم، به‌صورت خلاصه و دسته‌بندی شده ارائه شده است. این بخش به‌ویژه برای مرور مطالب در شب امتحان بسیار مفید است.

سپاسگده به ثمر نشستن هر اثر ارزشمندی، مرهون تلاش و همدلی جمعی از افراد دلسوز و فرهیخته است که با صرف وقت و انرژی بی‌دریغ خود، نقشی بی‌بدیل در خلق آن ایفا می‌کنند. بر خود لازم می‌دانیم از یکایک این عزیزان که در به سرانجام رساندن این کتاب ما را یاری نمودند، صمیمانه سپاسگزاری کنیم. در این میان، قدردانی ویژه داریم از:

• آقای دکتر مهران ترکمان عزیز مدیر محترم گروه عربی انتشارات مهرماه، که با درایت و مدیریت خود، فضایی سازنده و پویا را برای خلق این اثر فراهم آوردند، راهنمایی‌های ارزشمند ایشان، فراتر از وظایف مدیریتی، همواره همچون یک برادر بزرگ‌تر، چراغ راهم بوده است.

• مدیرعامل محترم انتشارات مهرماه جناب آقای احمد اختیاری که با نظرات خلاقانه و سازنده خود در کنار ما بودند.

• مدیر محترم تألیف جناب آقای امیر محمدیگی که با دقت و ظرافت مثال‌زدنی، در شکل‌گیری محتوای غنی و منسجم کتاب، نقشی بی‌نظیر ایفا نمودند. تلاش‌های بی‌وقفه و تعهد ایشان، شایسته بالاترین مراتب تقدیر است.

• مسئول پروژه درجه یک، توانمند و دلسوز سرکار خانم مهشید بشیری که بی‌شک، به ثمر رسیدن این کتاب، بیش از هر چیز، مرهون تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و پیگیری‌های مجدانه ایشان است.

• تیم بازخوانی علمی و ویراستاری کتاب مخصوصاً جناب آقای روح‌الله گلشن که به ما کمک زیادی کردند.

به نام خدای مهربان



● برای دریافت
امتحان نهایی اخیر
این کد رو اسکن کن.



فهرست



الدُّرُسُ الْأَوَّلُ

من آيات الأخلاق: اسم تفضيل و اسم مكان

درسنامه	۶
لغات	۷
کتابنامه	۹
حل و بررسی تمرین	۱۲
سؤالات امتحانی	۲۲
پاسخنامه	۲۰۶



الدُّرُسُ الثَّانِي

في مَخْصَرِ الْمُعَلِّمِ: اسلوب شرط و ادوات آن

درسنامه	۳۹
لغات	۴۰
کتابنامه	۴۲
حل و بررسی تمرین	۴۶
سؤالات امتحانی	۵۳
پاسخنامه	۲۱۲



الدُّرُسُ الثَّالِثُ

عجائب الأشجار: معرفه و نکره

درسنامه	۶۷
لغات	۶۸
کتابنامه	۶۹
حل و بررسی تمرین	۷۳
سؤالات امتحانی	۸۲
پاسخنامه	۲۱۸



الدُّرُسُ الرَّابِعُ

آداب الكلام: جملة بعد از (اسم) نکره

درسنامه	۹۸
لغات	۹۹
کتابنامه	۱۰۰
حل و بررسی تمرین	۱۰۳
سؤالات امتحانی	۱۱۰
پاسخنامه	۲۲۴



الدُّرُسُ الْخَامِسُ

الكذب مفتاح لكل شر: ترجمة فعل مضارع (۱)

درسنامه	۱۲۴
لغات	۱۲۵
کتابنامه	۱۲۶
حل و بررسی تمرین	۱۳۰
سؤالات امتحانی	۱۳۷
پاسخنامه	۲۳۰



الدُّرُسُ السَّادِسُ

أنه ماري شيمل: ترجمة فعل مضارع (۲)

درسنامه	۱۵۱
لغات	۱۵۳
کتابنامه	۱۵۴
حل و بررسی تمرین	۱۵۷
سؤالات امتحانی	۱۶۵
پاسخنامه	۲۳۶



الدُّرُسُ السَّابِعُ

تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية: معاني افعال ناقصة

درسنامه	۱۷۹
لغات	۱۸۰
کتابنامه	۱۸۱
حل و بررسی تمرین	۱۸۳
سؤالات امتحانی	۱۹۱
پاسخنامه	۲۴۲



بخش ویژه

یادآوری

قواعد پایه دهم	۲۴۸
----------------	-----

اسم تفضیل و اسم مکان

مشاوره: شیوه یادگیری و مباحث این درس بسیار شبیه به درس هشتم پایه دهم، یعنی اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه است. در این درس با دو گروه دیگر از وزن های اسم ها در عربی آشنا می شویم. حتماً از اهمیت وزن اسم ها در عربی آگاه شده اید و می دانید که یکی از موارد مورد علاقه طراحان سؤال است. سؤالات این درس بیشتر اوقات با درس هشتم پایه دهم به صورت ترکیبی طرح می شوند و از ۱/۵ الی ۲ نمره از بارم امتحان را به خودشان اختصاص می دهند و همچنین به طور مستقیم ۱/۵ نمره از بارم امتحان نهایی پایه دوازدهم را تشکیل می دهند.

درسنامه قواعد درس اول

اسم التفضیل و اسم المكان

اسم تفضیل

به جملات زیر توجه کنید:

عليّ أعلمُ من زملائه. ← علی از هم کلاسی هایش داناتر است.

آسيا أكبرُ قاراتِ العالم. ← آسیا بزرگ ترین قاره های جهان است.

گاهی می خواهیم بین دو چیز یا دو شخص مقایسه ای انجام بدهیم تا برتری یکی را نسبت به دیگری بیان کنیم. برای این کار، در فارسی از «صفت برتر» یا «برترین» استفاده می کنیم و در عربی از «اسم تفضیل» کمک می گیریم.

اسم تفضیل بر وزن های «أفعل» (مذکر) و «فعلی» (مؤنث) می آید.

مثال: أصغر: کوچک تر، کوچک ترین / صغری: کوچک تر، کوچک ترین / أعظم: بزرگ تر، بزرگ ترین / عظمی: بزرگ تر، بزرگ ترین
حُب! تا اینجای کار با کلیات اسم تفضیل آشنا شدیم. حال به چند نکته مهم درباره آن می پردازیم:

نکته نهایی: ۱ برای مقایسه بین دو چیز یا دو شخص مؤنث،

همواره از اسم تفضیل مذکر (أفعل) استفاده می کنیم.

مثال: فاطمة أحسنُ من زينب. ← فاطمه بهتر از زینب است.
اسم تفضیل

۲ یادتان باشد که وزن «فعلی» غالباً زمانی به کار می رود که صفت برای اسم مؤنث باشد.

مثال: هذه أختي الصغرى. ← این، خواهر کوچک تر من است.
صفت

۲ وزن «أفعل» گاهی به شکل «أفل» و «أفعی» در جمله دیده می شود.

مثال: ذهبتُ إلى المكتبة مع أحب أصدقائي. ← با محبوب ترین دوستانم به کتابخانه رفتم.

• أتقى الناس من لا يخاف الناس من لسانه. ← باتقواترین مردم کسی است که مردم از زبانش نترسند.

۴ جمع «أفعل» بر وزن «أفاعِل» می آید. اکبر ← أكابر / أعظم ← أعظم

مثال: إذا ملك الأراذل هلك الأفاضل. ← هرگاه فرومایگان (فرومایه ترها) به فرمانروایی برسند، شایستگان (شایسته ترها) به هلاکت می رسند. («الأراذل» جمع «الأردل» و «الأفاضل» جمع «الأفضل» است.)

تذکر: دقت کنید که لزوماً هر کلمه ای بر وزن «أفاعِل» اسم تفضیل نیست و حتماً باید معنای اسم تفضیل داشته باشد و مفرد آن نیز اسم تفضیل باشد.

مثال: أساور ← جمع «سوار» (دستبندها) / أوامر ← جمع «أمر» (دستورها) / أماكن ← جمع «مكان» (مکان ها)

۵ باید بدانید که برخی کلمات با وجود اینکه بر وزن «أفعل» می باشند، اما اسم تفضیل نیستند. (هر گردی، گردو نیست.) این کلمات عبارت اند از:

الف، رنگ های بر وزن «أفعل» ← أحمر (قرمز) / أخضر (سبز) / أصفر (زرد) / أزرق (آبی) / أبيض (سفید) / أسود (سیاه)

ب، عیب های بر وزن «أفعل» ← أحرق (نادان)، أبكم (لال)، أعمى (کور)
ج، فعل های بر وزن «أفعل» از مضارع (متکلم وحده (أنا)) ← أعلم (می دانم) / أكمل (کامل می کنم)

مثال: أنا أعلم هذا ليس مفيداً. ← من می دانم که این مفید نیست.

د، ماضی باب «إفعال» ← أكرم (گرامی داشت) / أهدى (هدیه داد (کرد))
مثال: هذا الرجل أحسن إلى المساكين. ← این مرد به نیازمندان نیکی کرد.

• أهدى صديقي عيوبی إلي. ← دوستم عیب هایم را به من هدیه کرد.

ه، امر باب «إفعال» ← أكمل (کامل کن) / أحسن (نیکی کن)

مثال: أكمل واجباتك حتى تذهب إلى البيت. ← تکالیفت را کامل کن تا به خانه بروی.

۶ کلمات «أول (اولی): یکم»، «آخر (آخری): دیگر» و «دُنیا» اسم تفضیل اند.



۲ اگر اسم تفضیل تنها باشد (بعد از آن «مِنْ» یا «مضاف الیه» نباشد)، معمولاً با «تر» ترجمه می‌شود.

مثال: ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ ← و آخرت بهتر و پایدارتر است.

• جاءَ الأخُ الأكبرُ. ← برادر بزرگ‌تر آمد.

اسم مکان

مربوط به مکان انجام فعل است و بر سه وزن «مَفْعَلٌ»، «مَفْعِلٌ» و «مَفْعَلَةٌ» می‌آید.

مثال: مَفْعَلٌ: مَلْعَبٌ (ورزشگاه) / مَطْبَخٌ (آشپزخانه) / مَصْنَعٌ (کارخانه)

• مَفْعِلٌ: مَسْجِدٌ (محل سجده) / مَنْزِلٌ (خانه) / مَجْلِسٌ (محل نشستن)

• مَفْعَلَةٌ: مَدْرَسَةٌ (محل درس خواندن) / مَطْبَعَةٌ (چاپخانه) / مَكْتَبَةٌ (کتابخانه)

نکته نهایی: ۱ دقت کنید هر کلمه‌ای که بر وزن های اسم مکان

باشد، لزوماً اسم مکان نیست و حتماً باید معنای «مکانی» نیز بدهد.

مثال: مَفْسَدَةٌ (مایه تباهی) / مَعْرِفَةٌ (شناختن) / مَسْأَلَةٌ (پرسش)

۲ اسم مکان را با وزن «مَفَاعِلٌ» جمع می‌بندیم.

مثال: مَنَازِلُ (جمع «مَنْزِلُ») / مَقَابِرُ (جمع «مَقْبَرَةٌ») / مَدَارِسُ (جمع «مَدْرَسَةٌ») /

مَعَابِدُ (جمع «مَعْبَدٌ»)

۳ توجه داشته باشید که کلمات زیر با وجود اینکه بر وزن «مَفَاعِلٌ» هستند

اما اسم مکان نمی‌باشند؛ زیرا معنای اسم مکان ندارند.

مثال: مَصَالِحُ (جمع «مَصْلَحَةٌ»: صلاح، منفعت)، مَرَامِسُ، مَوَاعِظُ

(جمع «مَوْعِظَةٌ»: پند، اندرز)

۴ ممکن است فکر کنید که کلماتی مثل «بیت: خانه»، «دار: خانه»، «شارع:

خیابان» و... اسم مکان‌اند، اما دقت کنید هر کلمه‌ای که معنای مکانی

داشته باشد، اما بر وزن اسم مکان نباشد، اسم مکان محسوب نمی‌شود.

«خَيْرٌ» و «شَرٌّ» (دوقلوهای افسانه‌ای)

احتمالاً دو کلمه «خَيْرٌ» به معنای خوبی و «شَرٌّ» به معنای بدی را بسیار شنیده‌اید و بدانید و آگاه باشید که این دو کلمه می‌توانند اسم تفضیل باشند به شرطی که «ال» نگیرند و بعد از آن‌ها «مِنْ» یا مضاف الیه (اسم) بیاید. اصولاً بدانید که این دو کلمه باید معنای «بهتر، بهترین» و «بدتر، بدترین» بدهند تا اسم تفضیل به شمار بیایند.

مثال: خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعْلُهُ. ← بهتر از خوبی، انجام دهنده‌اش است. («خَيْرٌ»

اول اسم تفضیل است، اما «خَيْرٌ» دوم چون «ال» گرفته، اسم تفضیل نیست.)

• الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوَاءِ. ← تنهایی بهتر از همنشین بد است.

• خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. ← بهترین کارها، میانه‌ترین آن‌هاست.

• شَرُّ النَّاسِ ذَوَا الْوَجْهِينِ. ← بدترین مردم، انسانِ دورو است.

کارگاه ترجمه

همان‌طور که در مثال‌ها دیدید، برای ترجمه اسم تفضیل از «تر، ترین» کمک می‌گیریم. برای این کار، از روش‌های زیر استفاده می‌کنیم:

۱ اگر بعد از اسم تفضیل «مِنْ» بیاید، با «تر» ترجمه می‌شود.

مثال: أَخِي أَصْغَرُ مِنِّي. ← برادرم، کوچک‌تر از من است.

• آسیا أَكْبَرُ مِنْ أُرُوتَا. ← آسیا بزرگ‌تر از اروپا است.

۲ اگر بعد از اسم تفضیل، مضاف الیه (اسم) بیاید، با «ترین» ترجمه می‌شود.

مثال: جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيْرَانِ.

اسم تفضیل مضاف الیه

← کوه دماوند، بلندترین کوه در ایران است.

• عَلِيٌّ أَحْسَنُ التَّلَامِيذِ فِي الْمَدْرَسَةِ. ← علی، بهترین دانش‌آموزان در

اسم تفضیل مضاف الیه

مدرسه است.

لغات



• تَوَاضَلُ: ارتباط
• تَوَابٌ: بسیار توبه‌پذیر، بسیار توبه‌کننده
• جَادِلٌ (جَادَلٌ، يُجَادِلُ): ستیز کن
• حَرَمٌ (يُحَرِّمُ): حرام کرد
• حَسَنٌ (يُحَسِّنُ): نیکو گرداند (گردانید)
• حَيٌّ: بشتاب
• خَفِيَ: پنهان
• ذَنْبٌ: گناه
• ذَوَا الْوَجْهِينِ: (انسان) دورو
• رُبَّمَا: شاید، چه‌بسا
• زَمِيلٌ: همکار، هم‌کلاسی
• زِينَةٌ: زیبایی
• سَاءٌ: بد شد
• سَائِرٌ: پوشاننده
• سُئِلَ: سؤال شد

• إِنْكَسَارٌ: شکسته شدن
• أَنْ يَكُنَّ: که باشند
• أَنْ يَكُونُوا: که باشند
• أَهْدَى (يُهْدِي): هدیه کرد
• بَشَسَ: بد است
• بَعْضٌ... بَعْضٌ: یکدیگر
• تَابَ (يَتَوَبُّ): توبه کرد
• تَبَادُلٌ: عوض کردن
• تَجَسَّسَ (يَتَجَسَّسُ): جاسوسی کرد
• تَخْفِيزٌ: تخفیف دادن
• تَسْمِيَةٌ: نام دادن، نامیدن
• تَعْلَمُ: یاد گرفتن
• تَعْلِيمٌ: آموزش دادن
• تَمَّمَ (يُتِمُّمُ): کامل کرد
• تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب‌های زشت دادن

• آخِرِينَ: دیگران
• آمَنُوا: ایمان آوردند
• اِنْتَقَى: پروا پیشه کرد
• اِثْمٌ: گناه
• اجْتَنَبُوا: دوری کنید
• أَحَبُّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین
• اِذْنٌ: بنا براین
• اِسْتَغْفَرَ (يَسْتَغْفِرُ): آمرزش خواست
• اِسْتِهْزَأَ بِ (اِسْتَهْزَأَ - يَسْتَهْزِئُ): ریشخند کردن
• أَعْلَى: بلندتر، بلندترین
• اِغْتَابَ (يَغْتَابُ): غیبت کرد
• أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین
• اِقْتَرَبَ (يَقْتَرِبُ): نزدیک شد
• أَلْفٌ: هزار
• أَنْفَعَ: سودمندتر، سودمندترین



• مَطْبَخ: آشپزخانه	• فُسُوق: آلوده شدن به گناه	• سَخِرَ مِنْ: مسخره کرد
• مَطْبَعَة: چاپخانه	• قَضَح: رسوا کردن	• سِغَر: قیمت «جمع: الأسعار»
• مَطْعَم: رستوران	• قَد (بر سر ماضی): فعل به صورت ماضی نقلی ترجمه می شود.	• سَكِينَة: آرامش
• مَكْتَبَة: کتابخانه	• قَد (بر سر مضارع): «گاهی، شاید، ممکن است» ترجمه می شود.	• سَوءُ الظَّن: بدگمانی
• مَلْعَب: ورزشگاه	• كِبَائِر: گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَة»	• شَهْر: ماه
• مَنَزِل: خانه	• كَرَة (يَكْرَهُ): ناپسند داشت	• ضَلَّ: گمراه شد
• مَوْقِف: ایستگاه	• لَحْم: گوشت «جمع: لُحُوم»	• الظَّن: گمان
• مَيِّت: مُرده = مَيِّت «جمع: أموات، مَوْتَى»	• لَقَب (يُلَقَّب): لقب داد	• عَاب (يَعِيبُ): عیب جویی کرد، عیب دار کرد
• مِيزَان: ترازو	• لَمَز (يَلْمِز): عیب گرفت	• عَجَب: خودپسندی
• نِساء: زنان	• مَتَجَر: مغازه	• عَذَب (يُعَذَّب): عذاب داد
• نَوْعِيَة: جنس، نوع		• عَسَى: شاید، امید است
		• غَلَب (يَغْلِب): چیره شد

واژه های مترادف

• قَد + مضارع = عَسَى = رُبَّمَا = لَعَلَّ (شاید)	• تَوَاضَل = ارتباط (ارتباط)	• إِثْم = ذَنْب = مَعْصِيَة (گناه)
• كِبَائِر = الذُّنُوب الكَبِيرَة (گناهان بزرگ)	• حَسَن = جَيِّد (خوب)	• أَرِيدُ = أَطْلُبُ (می خواهم)
• مُحَاوَلَة = إِجْتِهَاد = سَعَى (تلاش)	• سِغَر = ثَمَن (قیمت)	• اسْتِهْزَاء = سَخَرِيَة (مسخره کردن)
• مَنَزِل = بَيْت = دار (خانه)	• عَاب = لَمَز (عیب جویی کرد، عیب گرفت)	• تَجَنَّب = ابْتِعَاد (دور شدن)
• نَهْي = يَنْهَى (منع می کند، باز می دارد)	• فَعَلَ = عَمِلَ (عمل کرد)	• تَكَبَّر = عَجَب (خودپسندی)

واژه های متضاد

• زَائِد (به اضافه) ≠ نَاقِص (منهای)	• تَبَع (بعد) ≠ قَبْل (پیش)	• أَرَادِل (فرومایگان، فرومایه ترها) ≠ أَفَاضِل (شایستگان، شایسته ترها)
• سَاءَ (بد شد) ≠ حَسُنَ (خوب شد)	• بَيْع (فروش) ≠ شِرَاء (خرید)	• أَقَل (کمتر) ≠ أَكْثَر (بیشتر)
• سَوءُ الظَّن (بدگمانی) ≠ حُسْنُ الظَّن (خوش گمانی)	• تَوَاضَل (ارتباط) ≠ تَقَاعُص (بریدن)	• أَكْبَر (بزرگ تر، بزرگ ترین) ≠ أَصْغَر (کوچک تر، کوچک ترین)
• قَبِيح (زشت) ≠ جَمِيل (زیبا)	• حَرَم (حرام کرد) ≠ أَحَلَّ (حلال کرد)	• إِهْتَدَى (هدایت شد) ≠ ضَلَّ (گمراه شد)
• مَشْرِق (مشرق) ≠ مَغْرِب (مغرب)	• خِي (زنده) ≠ مَيِّت (مرده)	• بَنَسَ (بد است) ≠ نِعِمَّ (خوب است)
• نَهْي (نهی کرد) ≠ أَمَرَ (دستور داد)	• خَفِيَ (پنهان) ≠ ظَاهَرَ (آشکارا)	
	• الرِّخِيس (ارزان) ≠ الغَالِي (گران)	

جمع های مکسر

• عُيُوب ← عَيْب (عیب)	• أَلْوَان ← لَوْن (رنگ)	• أَحْيَاء ← حَيَّ (زنده)
• فُسَاتِين ← فُسْتَان (پیراهن زنانه)	• أَمْوَات ← مَيِّت (مرده)	• إِخْوَان ← أَخ (برادر)
• لُحُوم ← لَحْم (گوشت)	• أَنْفُس ← نَفْس (خود، جان)	• أَسْبَاب ← سَبَب (علت)
• مَتَاجِر ← مَتَجَر (مغازه)	• بَهَائِم ← بَهِيمَة (چاربا)	• أَسْرَار ← سِرَّ (راز)
• مَكَاتِب ← مَكْتَبَة (کتابخانه)	• خَطَايَا ← خَطِيئَة (خطا، اشتباه)	• أَسْعَار ← سِعَر (قیمت)
• مَوَازِين ← مِيزَان (ترازو)	• ذُنُوب ← ذَنْب (گناه)	• أَعْدَاء ← عَدُوَّ (دشمن)
• مَوْتَى ← مَيِّت (مرده)	• رُسُل ← رَسُول (فرستاده، پیامبر)	• أَعْمَال ← عَمَل (کار)
	• سَرَاوِيل ← سِرْوَال (شلوار)	• أَقْوَام ← قَوْم (قوم، گروه)
	• عِبَاد ← عَبْد (بنده)	• أَلْقَاب ← لَقَب (لقب)



﴿...يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ...﴾ (الْحُجُرَات: ۱۲)

منادا فعل و فاعل فعل و فاعل مفعول ج.م

ترجمه ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید.

کالبد شکافی: «آمنوا» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «إفعال» است. فعل «آمنَ» در اصل «أَمَنَ» بوده که برای تلفظ راحت‌تر به شکل «آمنَ» درآمده است. مصدر این فعل «إیمان» است. • «اجتنبوا» فعل امر ثلاثی مزید از باب «إفتعال» است. • در هر دو فعل «آمنوا» و «اجتنبوا»، فاعل ضمیر بارز (أشکارا) «واو» است. • «ظَنٌّ» در این آیه مفرد است، اما بنا بر شرایط جمله، به صورت جمع ترجمه شده است.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْخَرُوا قَوْمًا مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾

منادا فعل و فاعل فعل فاعل ج.م

ترجمه ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید گروهی را مسخره کنید، شاید آن‌ها (مسخره‌شدگان) بهتر از خودشان (مسخره‌کنندگان) باشند.

کالبد شکافی: «لا» انتهای فعل «يَسْخَرُ» را ساکن کرده؛ پس نهی است. در ترجمه «لا» نهی اگر صیغه فعل، غایب و متکلم باشد، غالباً از لفظ «نباید» استفاده می‌کنیم، اما اگر صیغه فعل مورد نظر مخاطب باشد، در ترجمه آن از «نباید» استفاده نمی‌کنیم. • «يَكُونُوا» مضارع «كانَ» است که با حرف «أَن» آمده و به صورت التزامی (باشند) ترجمه شده است. • «خَيْرًا» در این عبارت، معنای «بهتر» دارد و اسم تفضیل است.

• فعل «يَسْخَرُ» غالباً با حرف اضافه «مِنْ» می‌آید اما این حرف ترجمه نمی‌شود. **مثال:** سَخِرَ هَذَا الطَّالِبُ مِنْ صَدِيقِهِ: این دانش‌آموز دوستش را مسخره کرد.

﴿وَلَا نِسَاءً مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ﴾

معطوف ج.م

ترجمه و زنانی، زنان دیگر را [نباید مسخره کنند]؛ شاید آن‌ها (مسخره‌شدگان) از خودشان (مسخره‌کنندگان) بهتر باشند.

کالبد شکافی: یک نوع از «لا» در عربی وجود دارد که به آن «لا» عطف می‌گویند و بین دو اسم می‌آید. «لا» در قبل از «نساء» از همین نوع است.

مثال: هو تاجر لا شاعر: او تاجر است نه شاعر.

• «يَكُنَّ» مضارع «كانَ» است به معنی «باشند». دقت کنید که این فعل، فاعل و مفعول ندارد و به جای آن اسم و خبر دارد که نیازی به دانستن آن‌ها ندارید.

﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾

فعل و فاعل مفعول مآلیه فعل و فاعل ج.م

ترجمه و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید.

کالبد شکافی: «لا تَلْمِزُوا» و «لا تَنَابَزُوا» هر دو فعل نهی می‌باشند. • «أَنْفُسُ» جمع مکسر «نَفْس» است. بد نیست بدانید که «نَفْس» جزء مؤنث‌های معنوی می‌باشد. • «تَنَابَزَ» فعل ثلاثی مزید از باب «تفاعُل» است. این فعل در اصل «لا تَنَابَزُوا» بوده که برای تلفظ راحت‌تر «تَنَابَزُوا» اول حذف شده است.

• در ترجمه فعل‌های باب «تفاعُل»، معمولاً از «یکدیگر، همدیگر» استفاده می‌کنیم. **مثال:** تَكَاتَبَ الصَّدِيقَانِ: دو دوست با یکدیگر نامه‌نگاری کردند.

• ضمائر متصل به اسم همواره نقش مضاف‌الیه دارند. **مثال:** کتابی • مدرستنا

مآلیه مآلیه

﴿يٰۤاَيُّهَا الْاِنْسَانُ الْفٰسِقُ بَعْدَ الْاِيْمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

قید مآلیه اادات شرط فعل شرط جواب شرط

ترجمه آلوده‌شدن به گناه، پس از ایمان، بدنامی است و هر کس توبه نکند (توبه نکرد)، پس آنان خودشان ستمکارند.

کالبد شکافی: اسم معرفه (ال دار) بعد از «نِعْمَ» خوب است و «يٰۤاَيُّهَا» بد است را می‌توان به صورت نکره (همراه با «یک» و «ی») ترجمه کرد.

مثال: نِعْمَ الصَّدِيقُ الصَّادِقُ: راستگو، خوب دوستی است (دوست خوبی است).

• برخی از اسم‌ها در عربی دائم‌الاضافه‌اند؛ یعنی اسم بعد از آن‌ها همواره مضاف‌الیه است. مهم‌ترین اسم‌های دائم‌الاضافه در عربی عبارت‌اند از: كَلْبٌ، بَعْضٌ، جَمِيعٌ، عَدَدٌ، قَبْلٌ، بَعْدٌ، تَحْتَ، مَعَ و... **مثال:** أَحِبُّ كُلِّ دَرَسٍ.

مآلیه

• جواب شرط^۲ این عبارت، کل جمله اسمیه است که «اولئك» مبتدا و «الظَّالِمُونَ» خبر آن می‌باشند. • گاهی بین مبتدا و خبر، یک ضمیر منفصل (جدا) می‌آید که صرفاً جهت تأکید بر روی جمله است و نقش ندارد.

مثال: اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ.

مبتدا خبر

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾

فعل و فاعل فعل و فاعل مفعول ج.م مآلیه

ترجمه ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید؛ همانا برخی گمان‌ها گناه است.

کالبد شکافی: جمله بعد از «إِنَّ» یک نوع جمله اسمیه به شمار می‌رود که دانستن قواعد آن، جزء اهداف آموزشی کتاب شما نیست.

۱. در درس‌های بعد با کاربرد «أَن» آشنا خواهیم شد. فعلاً در همین حد بدانید که معنای فعل بعد را تبدیل به مضارع التزامی می‌کند.
۲. در درس بعد با جملات شرطی آشنا می‌شویم.

حل و بررسی تمرین

تمرین متن درس



عَیِّنِ الضَّحِيخَ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

فعل و فاعل مفعول معطوف قید م. الیه م. الیه

ترجمه درست و نادرست را براساس متن درس تعیین کن.

کالبر شکاف: «عَیِّن» فعل امر ثلاثی مزید از باب «تفعیل» است.

۱- سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْخُرَابِ بِعُرْسِ الْقُرْآنِ.

فعل فاعل م. الیه مفعول م. الیه ج. م م. الیه

ترجمه برخی از مفسران سوره حجات را عروس قرآن نامیده‌اند.

۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَ الْغِيْبَةَ فَقَطْ.

فعل فاعل ج. م واپسته مفعول معطوف

ترجمه خداوند در این دو آیه، فقط مسخره کردن و غیبت کردن را حرام کرده است.

۳- الْغِيْبَةُ هِيَ أَنْ تَسْذُكْسِرَ أَخْسَاكَ وَ أَخْسَتَكَ بِمَا يَكْزِهَانِ.

مبتدا فعل و فاعل (خبر) مفعول م. الیه معطوف م. الیه ج. م فعل و فاعل

ترجمه غیبت، عبارت است از آن که برادرت و خواهرت را با چیزی یاد کنی که نمی‌پسندند.

۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ الشُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخِرِينَ.

فعل و فاعل مفعول ج. م ج. م

ترجمه بی‌گمان خداوند مردم را از ریشخند کردن دیگران بازمی‌دارد.

کالبر شکاف: مرجع فعل «يَنْهَى» به «اللَّهُ» برمی‌گردد؛ بنابراین «النَّاس» مفعول است نه فاعل. اصولاً بدانید که در ترکیب «اسم + فعل + اسم» اسم دوم

مفعول

غالباً مفعول است. **مثال:** الطَّالِبُ يَكْتُبُ الْوَاجِبَاتِ: دانش آموز تکالیف را می‌نویسد.

مبتدا فعل و فاعل مفعول

• «الشُّخْرِيَّة» مصدر به معنی «مسخره کردن» می‌باشد.

۵- أَلْسَغِي لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.

مبتدا ج. م م. الیه م. الیه خبر صفت

ترجمه تلاش برای شناختن رازهای دیگران کار زیبایی است.

کالبر شکاف: «سَعِي» و «مَعْرِفَةُ» مصدر هستند. حواستان باشد که «مَعْرِفَةُ» را اسم مکان در نظر نگیرید.

ترجمه و آنالیز جملات «اعلموا»

آسِيا أَكْبَرُ مِنْ أَوْرُوبَا.

مبتدا خبر ج. م

ترجمه آسیا بزرگ‌تر از اروپاست.

کالبر شکاف: «آسیا» و «أورُوبَا» هر دو معرفه از نوع «عَلَم» هستند. «أكبر» اسم تفضیل است.

آسِيا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ.

مبتدا خبر م. الیه م. الیه

ترجمه آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

کالبر شکاف: «العالم» جهان را با «العالم» داناه که اسم فاعل است، اشتباه نگیرید.

آسِيا أَكْبَرُ قَارَةِ فِي الْعَالَمِ.

مبتدا خبر م. الیه ج. م

ترجمه آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.

جَبَلُ دِمَاوَنْدِ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا.

مبتدا م. الیه خبر ج. م م. الیه

ترجمه کوه دماوند بلندتر از کوه دناست.

کالبر شکاف: «دماوند» و «دنا» معرفه از نوع علم‌اند.





جَبَل دَمَاوَنْدِ اَعْلٰی جِبَالِ اِیران.

مبتدا ماله خبر ماله ماله

ترجمه کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.

کالبد شکافی: «ایران» معرفه از نوع علم است.

جَبَل دَمَاوَنْدِ اَعْلٰی جِبَلِ فِی اِیران.

مبتدا ماله خبر ماله ج.م

ترجمه کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.

اَكْبَرُ الْعِیْبِ، اَنْ تَعِیْبَ مِمَّا فِیْكَ مِثْلُهُ. (الْإِمَامُ عَلِيٌّ ع)

مبتدا ماله فعل و فاعل مفعول ج.م (خبر) مبتدا ماله

ترجمه بزرگ‌ترین عیب آن است که [از کسی] عیبی بگیری که مانند آن در خودت هست.

کالبدشکافی این جمله به صورت کامل در متن درس آمده است.

إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ.

قید فعل شرط فاعل جواب شرط فاعل

ترجمه هرگاه فرومایگان (فرومایه‌ترها) به فرمانروایی برسند (رسیدند) شایستگان (شایسته‌ترها) به هلاکت می‌رسند (رسیدند).

کالبد شکافی: «الأرذل» و «الأفضل» هر دو جمع مکسر و اسم تفضیل اند و مفرد آن‌ها به ترتیب «الأرذل» و «الأفضل» است. • این جمله، یک جمله شرطی

است و در جملات شرطی، اگر فعل و جواب شرط ماضی باشند، می‌توان آن‌ها را به صورت مضارع ترجمه کرد.

هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَاكَ.

مبتدا خبر ج.م

ترجمه این از آن بزرگ‌تر است.

کالبد شکافی: «ذاك» همان «ذلك» به معنی «آن» می‌باشد.

سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ.

مبتدا ماله خبر ماله ج.م

ترجمه سوره بقره، بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

کالبد شکافی: «القرآن» خواندن مصدر و معرفه به «ال» است. (معرفه از نوع «علم» نیست).

اختیار نفسک (۱)

تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ الثَّلَاثَةَ، ثُمَّ ضَعْ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

فعل مفعول صفت فعل مفعول ماله ماله

ترجمه حدیث‌های زیر را ترجمه کن سپس زیر اسم تفضیل خطی قرار بده (خط بکش). (اسم تفضیل ها رنگی شده‌اند).

۱- سَبَّلَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ): مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ؟ قَالُوا: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

فعل مجهول ماله خبر مبتدا ماله ج.م فعل و فاعل مبتدا ماله ج.م (خبر)

ترجمه از رسول خدا سؤال شد: چه کسی نزد خدا محبوب‌ترین مردم است؟ فرمود: سودمندترین مردم برای مردم.

کالبد شکافی: «سئل» فعل مجهول است و فاعل ندارد، بلکه به جای آن نائب فاعل دارد اما دانستن آن جزء اهداف

آموزشی کتاب نیست. اصولاً یادتان باشد فعل ماضی اگر با «ئ» شروع شود، مجهول است. • حرف جرّ «إلى» معانی متفاوتی

دارد که در این جمله معنای «نزد» می‌دهد. • «أحب» و «أنفع» اسم تفضیل می‌باشند.

۲- أَحْسَنُ زَيْتَةِ الرَّجُلِ الشَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ)

مبتدا ماله ماله خبر قید ماله

ترجمه بهترین زیور (آراستگی) مرد (انسان)، آرایش همراه ایمان است.

کالبد شکافی: حواستان باشد که «مَعَ» اسم است و حرف نیست و اسم بعد از آن همیشه مضاف الیه است. • «إيمان» مصدر باب «إفعال» است.

• «أحسن» اسم تفضیل است.

۳- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْخَلَالِ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ)

مبتدا ماله خبر ج.م

ترجمه بهترین کارها به دست آوردن [روزی] حلال است.

کالبد شکافی: «الكسب» مصدر است. • «أفضل» اسم تفضیل می‌باشد.



ترجمه و آنالیز جملات «اعلموا»

۱- خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَ أَجْمَلٌ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ. (الإمام الهادي عليه السلام)
مبتدا ج م خبر م.آیه مبتدا خبر م.آیه

ترجمه بهتر از خوبی، انجام دهنده اش است و زیباتر از زیبا، گوینده اش می باشد.

کالبر شکافی: «خیر» در این جمله اسم تفضیل است، اما «الخیر» چون «ال» گرفته، اسم تفضیل نیست و به معنای «خوبی» است. • «فاعل» و «قائل» هر دو اسم فاعل اند. • «أجمل» اسم تفضیل است.

۲- شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَتَّقِيهِ الْأَمَانَةُ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.
مبتدا م.آیه خبر فعل و فاعل مفعول فعل و فاعل مفعول

ترجمه بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نیست و از خیانت دوری نمی کند.

کالبر شکافی: «شَرُّ» اسم تفضیل است. • «يَتَّقِيهِ» و «يَجْتَنِبُ» هر دو فعل ثلاثی مزید از باب «إفتعال» هستند. • «الأمانة» و «الخیانة» هر دو مصدر هستند.

۳- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. (أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عليه السلام)
مبتدا ج م خبر م.آیه

ترجمه بهترین کارها میانه ترین آن هاست.

کالبر شکافی: «خیر» و «أوسط» هر دو اسم تفضیل می باشند.

۴- حَيٌّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.
ج م م.آیه

ترجمه به سوی بهترین کار بشتاب.

کالبر شکافی: دقت کنید که «حَيٌّ» فعل نیست. • «خیر» اسم تفضیل است.

اختبر نفسك (۲)

ترجم عبارات التالية.

۱- «رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» (المؤمنون: ۱۰۹)
م.آیه فعل و فاعل فعل و فاعل ج م فعل و فاعل مفعول مبتدا خبر م.آیه

ترجمه پروردگارا ایمان آوردیم؛ پس ما را بیامرز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم کنندگان هستی.

کالبر شکافی: «آمنا» فعل ماضی و ثلاثی مزید از باب «إفعال» است (آمَنَ - يُؤْمِنُ - إيمان). • «إغفر» و «ارحم» فعل امر و ثلاثی مجرد هستند. • دقت کنید که اگر قبل از فعل امر، حرف «و» یا «ف» بیاید، همزه ساکن می شود. (به استثنای فعل های باب «إفعال» که همزه شان همیشه حرکت دارد). **مثال:** «قَدْ» + «أَنْظُرُ» - «فَإَنْظُرْ» / «و» + «إَجْعَلْ» - «وَاجْعَلْ»

• «لِ» جازه + ضمیر متصل (به جز «ي») - تبدیل به «لَ» می شود. **مثال:** لکم - لنا - لها
• ضمیر «نا» هرگاه به فعل امر بچسبد، حتماً مفعول است. • «خیر» اسم تفضیل است. • «الراحمین» اسم فاعل و ثلاثی مجرد است.

۲- خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غِيوبَكُمْ. (رسول الله ﷺ)
مبتدا م.آیه خبر فعل و فاعل ج م مفعول م.آیه

ترجمه بهترین برادرانتان (دوستانتان) کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه کند (هدیه کرد).

کالبر شکافی: «خیر» اسم تفضیل است. • به حالت های مثنی و جمع کلمه «أخ» بسیار دقت کنید: «أَخَوَانٍ، أَخَوَيْنِ؛ دو برادر» - مثنی / «إخوة، إخوان؛ برادران» - جمع مکسر • «أهدى» فعل ماضی از باب «إفعال» است. • بعد از «مَنْ» و «ما» وسط جمله، فعل ماضی را می توان به صورت مضارع نیز ترجمه کرد.

مثال: أقوى الناس من عفا عدوه مقتدراً؛ قوی ترین مردم کسی است که دشمنش را مقتدرانه ببخشد (بخشید).

۳- «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (القدر: ۳)
مبتدا م.آیه خبر ج م م.آیه

ترجمه شب قدر بهتر از هزار ماه است.

کالبر شکافی: «خیر» اسم تفضیل است. • «ألف» هزار، نکره است و «أل» در آن، جزئی از خود کلمه است؛ آن را با معرفه به «ال» اشتباه نگیرید.

۴- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرُّ مِنَ الْبَهَائِمِ. (أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عليه السلام)
ادات شرط فعل شرط فاعل م.آیه مفعول م.آیه مبتدا خبر ج م

ترجمه هر کس شهوتش بر عقلش غلبه کند (غلبه کرد)، پس او بدتر از چهارپایان است.

کالبر شکافی: در جمله بالا «مَنْ» ادات شرط، «غَلَبَتْ» فعل شرط و جمله اسمیه «هو شر» جواب شرط است. • «شَرُّ» اسم تفضیل است. • «غَلَبَتْ» فعل ماضی و ثلاثی مجرد است.

۵- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.
مبتدا م.آیه خبر م.آیه

ترجمه بدترین مردم، انسان دورو است.

کالبر شکافی: «شَرُّ» اسم تفضیل است. • «الْوَجْهَيْنِ» اسم مثنی است و «ذو الوجهین» در این جمله به معنی «انسان دورو» است.



اختبر نفسك (۳)

ترجم الآيتين و العبارة، ثم عَيِّن اسم المكان و اسم التفضيل.

ترجمه دو آیه و عبارت زیر را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.

۱- ﴿... وَ جَسَدٍ لَّهُمْ بَالَتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾

فعل و فاعل مفعول ج.م مبتدا خبر م.الیه ج.م فعل و فاعل م.الیه

ترجمه و با آنان به روشی که نیکوتر است بحث کن؛ همانا پروردگارت نسبت به کسی که از راهش گمراه شده، داناتر است.

کالبر شکاف: «جادل» فعل امر از باب «مفاعلة» است. • فاعل فعل های «امر» همیشه مستتر (پنهان در فعل) است. • «أحسن» و «أعلم» اسم تفضیل هستند. • اسم تفضیل اگر تنها باشد، یعنی بعد از آن «اسم» یا «من» نباشد، با «تر» ترجمه می شود. • «ضَلَّ» فعل ماضی و ثلاثی مجزء است.

۲- ﴿وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ (الأعلى: ۱۷)

مبتدا خبر معطوف

ترجمه و [جهان] آخرت، بهتر و پایدارتر است.

کالبر شکاف: «آخره» پایان (در اینجا به معنی «جهان آخرت») اسم فاعل است، آن را با «آخر» دیگر که اسم تفضیل است، اشتباه نگیرید. • «آخره» مؤنث «آخر» می باشد و «آخری» مؤنث «آخر» است. • «خیر» و «أبقى» اسم تفضیل هستند و چون بعد از آن ها اسم یا «من» نیامده است، با «تر» ترجمه شده اند.

۳- كَانَتْ مَكْتَبَةً جُنْدِي سَابُورٍ فِي خَوْزِستان أَكْبَر مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

م.الیه م.الیه ج.م م.الیه ج.م صفت

ترجمه کتابخانه جندی شاپور در خوزستان، بزرگ ترین کتابخانه در دنیای قدیم بود.

کالبر شکاف: «مکتبه» اسم مکان است. • «أكبر» اسم تفضیل است. • «جندی سابور» و «خوزستان» معرفه از نوع «علم» هستند.

حوار (في سوقٍ مشهد)

در بازار مشهد

بائع الملابس

م.الیه

ترجمه فروشنده لباس ها

کالبر شکاف: «بائع» اسم فاعل است. • «الملابس» جمع مکتسر «ملبسة» است. حواستان باشد که آن را با اسم مکان اشتباه نگیرید. اسم مکان علاوه بر وزن، باید معنای مکانی نیز داشته باشد.

الزائرة العريضة

صفت

ترجمه خانم زائر عرب

کالبر شکاف: «الزائرة» اسم فاعل ثلاثی مجزء است.

سَلامٌ عَلَيْكُمْ.

مبتدا ج.م (خبر)

ترجمه سلام (درود) بر شما

عَلَيْكُمْ السَّلامُ، مَرْحَباً بِكُمْ.

ج.م (خبر) مبتدا ج.م

ترجمه سلام (درود) بر شما، خوش آمدید.

سِتُونَ أَلْفَ تَومان

ترجمه شصت هزار تومان

کالبر شکاف: «ستون» شصت از اعداد عقود است و اعداد عقود همگی جمع سالم مذکرند.

كَمْ يَسَعُ هَذَا الْقَمِيصِي الرَّجَالِي؟

خبر مبتدا م.الیه وابسته صفت

ترجمه قیمت این پیراهن مردانه چقدر است؟

کالبر شکاف: دانستن این موضوع که چرا جای مبتدا و خبر در این عبارت عوض شده است برای شما ضروری نیست، اما صرفاً جهت اطلاع می گوئیم که هر وقت اسم پرسشی در ابتدای جمله به همراه اسم بیاید، نقش آن خبر است که بر مبتدا مقدم شده است.

أَرِيْسِدُ أَرْخَصُ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ.

فعل و فاعل مفعول ج.م مبتدا وابسته خبر

ترجمه ارزان تر از این می خواهم. این قیمت ها گران است.

کالبر شکاف: فاعل فعل های مضارع متکلم وحده و مع الغیر (صیغه های «أنا» و «نحن») همیشه مستتر است. • «أرخص» اسم تفضیل است. • برای اشاره به یک اسم جمع غیرانسان در عربی همواره از اسم اشاره مفرد مؤنث (هذه - تلك) استفاده می کنیم. یادتان باشد که در داخل جمله هر جا جمع غیرانسان داشتیم، آن را مفرد مؤنث در نظر می گیریم.

عِنْدَ نَا بِسَعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تَومان. تَفَضَّلِي أَنْظُرِي.

فید م.الیه ج.م م.الیه فعل و فاعل فعل و فاعل

ترجمه به قیمت پنجاه هزار تومان داریم. بفرمایید.

کالبر شکاف: «عند» در ابتدای جمله به همراه اسم یا ضمیر معنای مالکیت (داشتن) می دهد. • «تفضلي» فعل امر و ثلاثی مزید از باب «تفعّل» است. • «أنظري» فعل امر و ثلاثی مجزء است. • «خمسین» جمع مذکر سالم است.

آئی لونِ عنْدُکُم؟

ترجمہ چہ رنگی دارید؟

کالبر شکاف: «عند» بہ همراه ضمیر متصل، معنای «داشتن» در زمان حال می دهد. **مثال:** «عندک سیارہ؛ تو یک ماشین داری.»

بِکُم تومانِ ہذِہِ الْفَسَاتِینِ؟

ج.م (خبر) مبتدا وابستہ

ترجمہ این پیراہن های زنانه چند تومان است؟

کالبر شکاف: «فساتین: پیراہن های زنانه» جمع مکسر «فستان» است و جمع سالم نیست (گول «ین» آن را نخورید).

الْأَسْعَارُ غَالِیَةً

مبتدا خبر

ترجمہ قیمت ها گران است.

کالبر شکاف: «غالیۃ» اسم فاعل از ثلاثی مجرد است.

بِکُم تومانِ ہذِہِ السَّرَاوِیلُ؟

ج.م (خبر) مبتدا وابستہ

ترجمہ این شلوارها چند تومان است؟

کالبر شکاف: «سراویل: شلوارها» جمع مکسر «سروال» است.

أَرِیْسُدُ سَرَاوِیلَ أَفْضَلَ مِنْ ہذِہِ.

فعل و فاعل مفعول صفت ج.م

ترجمہ شلوارهایی بهتر از این می خواهم.

کالبر شکاف: «أفضل» اسم تفضیل است.

أَبِیْضُ وَ أَسْوَدُ وَ أَرْزَقُ وَ أَحْمَرُ وَ أَصْفَرُ وَ بَنَفْسَجِی.

ترجمہ سفید، سیاه، آبی، قرمز، زرد و بنفش.

کالبر شکاف: دقت کنید کہ رنگ ها غالباً بر وزن «أَفْعَل» اند، اما اسم تفضیل نیستند.

تَبْدَأُ الْأَسْعَارُ مِنْ خَمْسِیۃٍ وَ سَبْعِینَ أَلْفًا إِلَى خَمْسِیۃٍ وَ ثَمَانِینَ أَلْفٍ تَومان.

فعل فاعل ج.م ج.م

ترجمہ قیمت ها از هفتاد و پنج هزار [تومان] شروع می شود تا هشتاد و پنج هزار تومان.

کالبر شکاف: چون «الأسعار» جمع غیرانسان است، فعل آن به صورت مفرد مؤنث (تَبْدَأُ) آمده.

سَيِّدَتِی، یَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ التَّوَعِیَّاتِ.

فعل فاعل قید م.الیہ

ترجمہ خانم، قیمت براساس جنس ها فرق می کند.

کالبر شکاف: «یختلف» فعل مضارع و ثلاثی مزید از باب «إِفْتَعَال» است. • «التوعیات» جمع مؤنث سالم است.

السَّرَوَالُ الرَّجَالِیُّ بِتِسْعِینَ أَلْفٍ تَومان، وَ السَّرَوَالُ النِّسَائِیُّ بِخَمْسِیۃٍ وَ

صفت صفت ج.م ج.م

تِسْعِینَ أَلْفٍ تَومان.

ترجمہ شلوار مردانه نود هزار تومان و شلوار زنانه نودوپنج هزار تومان است. **کالبر شکاف:** در انتهای برخی از اسم ها گاهی «ی» نسبت می آید کہ معنای آن ها را تغییر می دهد. بہ عنوان مثال «رجال: مردان» با گرفتن «ی» نسبت، تبدیل بہ «رجالی»: مردانه شده است.

ذَٰلِکَ مَتَجَرَّ زَمِیلِی، لَسِسَهُ سَرَاوِیلَ أَفْضَلَ.

مبتدا خبر م.الیہ م.الیہ ج.م (خبر) مبتدا صفت

ترجمہ آن مغازه همکارم است، شلوارهای بهتری دارد.

کالبر شکاف: «متجر: مغازه، فروشگاه» اسم مکان است. • اسم بی «ال» بعد از اسم اشاره، غالباً خبر است و باید آن را بہ شکلی ترجمه کرد کہ جملہ کامل باشد. **مثال:** هذا کتاب؛ این کتاب است.

فِي مَتَجَرِّ زَمِیلِی...

ج.م م.الیہ م.الیہ

ترجمہ در مغازه همکارم

صَارَ الْمَبْلُغُ مِئَتَیْنِ وَ ثَلَاثِینَ أَلْفٍ تَومان. أَعْطِیْنِی بَعْدَ

فعل و فاعل مفعول قید

التَّخْفِیْضِ مِئَتَیْنِ وَ عِشْرِینَ أَلْفًا.

م.الیہ مفعول ۲

ترجمہ مبلغ دوپست و سی هزار تومان شد. بعد از تخفیف بہ من دوپست و بیست هزار تومان بده.

کالبر شکاف: «أعطي» فعل امر و ثلاثی مزید از باب «إِفْعَال» و مربوط بہ صیغہ «أَنْتَ» است. • «صَارَ» فعل ناقصہ است کہ فاعل و مفعول ندارد. • «مِئَتَینِ: دوپست» مثنای «مِئۃ: صد» است. • «التخفیض» مصدر باب «تفعیل» است.

رَجَاءً، أَعْطِیْنِی سِرَوَالًا مِنْ هَٰذَا النَّوعِ وَ... کَم صَارَ الْمَبْلُغُ؟

فعل و فاعل مفعول ۱ مفعول ۲ ج.م وابستہ

ترجمہ لطفاً شلوازی از این نوع بہ من بده... مبلغ چقدر شد؟

کالبر شکاف: «أعط» فعل امر ثلاثی مزید از باب «إِفْعَال» است. اینکه چرا ظاهر این فعل شبیه فعل های امر نیست؛ خارج از مباحث کتاب درسی است. دقت کنید کہ این فعل دومفعولی است و ضمیر «ی» کہ بہ کمک «ن» وقایہ بہ آن چسبیده، مفعول اول و «سروالاً» مفعول دوم است.



التَّهْمِينِ الْأَوَّلِ

أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

ترجمه کدام کلمه از لغت نامه درس مناسب توضیحات زیر است؟

۱- جَعَلَهُ حَرَامًا.

فعل و فاعل مفعول ۱ مفعول ۲

ترجمه آن را حرام گردانید. **پاسخ** «حَرَّمَ: حرام کرد»

کالبر شکافی: «جَعَلَ» فعل ماضی و ثلاثی مجرد است. این فعل از افعال دومفعولی است که ضمیر «هُ» مفعول اول و «حَرَامًا» مفعول دوم آن است.

۲- الَّذِي لَيْسَ خَيًّا.

ترجمه کسی که زنده نیست. **پاسخ** «الْمَيِّت: مرده»

کالبر شکافی: «لَيْسَ» فعل ناقصه است.

۳- الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ

صفت

ترجمه گناهان بزرگ **پاسخ** «الْكَبَائِر: گناهان بزرگ»

■ **لغات مشابه:** «ذَنْب: گناه» / «ذَنْب: دُم» / «أَذْنَاب: / «ذَنْب: گریگ» / «ذَنْب: ذَنْب»

۴- الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ.

فعل و فاعل مفعول ج. م. م. م. م.

ترجمه کسی که توبه را از بندگان قبول می کند. **پاسخ** «التَّوَاب: بسیار توبه پذیر» (این کلمه اسم مبالغه است).

کالبر شکافی: «يَقْبَلُ» فعل مضارع و ثلاثی مجرد است.

■ **لغات مشابه:** «عَبَد: بنده» / «عَبَاد: عبادت کننده» / «عَبَاد (مکشر) - عابدون، عابدین (سالم)»

۵- تَسْمِيَةُ الْأَخْرَيْنِ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.

م. م. م. م. م. م. م. م.

ترجمه نامیدن دیگران با نام های زشت **پاسخ** «تَنَابُزُ بِالْأَلْقَاب: به یکدیگر لقب های زشت دادن»

کالبر شکافی: یادگیری نقش اسم اول این عبارت برای شما لازم نیست، اما اگر برای خودتان سؤال است: این کلمه نقش خبر دارد و کلمه پاسخ

مبتداست؛ در واقع جمله در اصل این چنین بوده: تَنَابُزُ بِالْأَلْقَابِ تَسْمِيَةٌ...

مبتدا ج. م. خبر

۶- ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ.

فعل و فاعل مفعول فعل ج. م. فاعل ج. م. م. م.

ترجمه چیزی را یاد کرد که دیگران در غیابشان به آن راضی نمی شوند. **پاسخ** «إِغْتَابَ: غیبت کرد» (این فعل ماضی و از باب «إِفْتَعَال» است).

کالبر شکافی: «ذَكَرَ» فعل ماضی و «يَرْضَى» فعل مضارع است که هر دو ثلاثی مجرد می باشند.

التَّهْمِينِ الثَّانِي

تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْهَا.

ترجمه این حدیث های نبوی (از پیامبر اکرم) را ترجمه کن، سپس [موارد] خواسته شده از تو را مشخص کن.

۱- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ)

مبتدا م. م. م. م. م. م. م. م.

ترجمه خوش اخلاقی نیمی از ایمان است. **پاسخ** «حُسْن» مبتدا و «نِصْف» خبر است.

کالبر شکافی: پیدا کردن مبتدا غالباً کار سختی نیست، چون اسم ابتدای جمله مبتداست، اما پیدا کردن خبر کمی ریزه کاری دارد. دقت کنید بعد از مبتدا

اصولاً اسمی با علامت های «هُ»، «ان»، «وَنَ» که معمولاً بی «ال» است، خبر می باشد و اگر اسمی با این علامت ها نداشته باشیم، به دنبال یک فعل می گردیم که آن را

خبر در نظر بگیریم. **مثال:** الْمُجْتَهِدُ فِي الْحَيَاةِ نَاجِعٌ: تلاشگر در زندگی موفق است. • صَعُوبَاتُ الدَّهْرِ تَمُرُّ: سختی های روزگار، می گذرد.

مبتدا ج. م. خبر

مبتدا ج. م. خبر

۲- مَنْ سَسَاءَ خُلُسُهُ عَسَدَبَ نَفْسُهُ. (الْمَفْعُولُ)

ادات شرط فعل شرط فاعل م. م. م. م. م. م. م. م.

(جواب شرط)

ترجمه هر کس اخلاقش بد شود (شد)، خودش را عذاب می دهد (داد). **پاسخ** «نَفْس» مفعول است.

۱. با فعل های ناقصه در درس ۷ آشنا خواهیم شد.

کالبد شکافی: «ساء» فعل ماضی و ثلاثی مجزء است. • «عَذَّبَ» فعل ماضی و ثلاثی مزید از باب «تفعیل» است.

۳- اَللّٰهُمَّ كَمَا خَسَّنْتَ خُلُقِيْ، فَخَسِّنْ خُلُقِيْ. (الفعل الماضى و الفعل الامر)

ج.م فعل و فاعل مفعول م.اليه فعل و فاعل مفعول م.اليه

ترجمه خدایا همان گونه که آفرینش را نیکو گردانیدی، پس اخلاقم را نیکو گردان. **پاسخ** «خَسَّنْتَ» فعل ماضی و «خَسِّنْ» فعل امر است.

کالبد شکافی: «گما» متشکل از حرف جرّ «ک» و «ما» است که جار و مجرور است. • «خَسَّنْتَ» فعل ماضی و «خَسِّنْ» فعل امر است و هر دو، ثلاثی مزید از باب «تفعیل» می باشند. • «خُلُقْ» آفرینش» مصدر است.

■ لغات مشابه: «خُلُقْ»: اخلاق، خوی، رفتار / «خُلُقْ»: آفرینش / «خُلُقْ»: آفرید

۴- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسم التفضيل و الجار و المجرور)

ج.م ج.م صفت

ترجمه در ترازوی اعمال، چیزی سنگین تر از اخلاق خوب نیست. **پاسخ** «أَثْقَلُ» اسم تفضیل است. «فِي الْمِيزَانِ» و «مِنَ الْخُلُقِ» جار و مجرورند.

■ لغات مشابه: «حَسَنَ»: خوب / «حُسْنُ»: خوبی / «حَسَنَ»: خوب شد / «حَسَنَ»: نیکو گردانید

التّمدین الثالث

ترجم الأفعال و المصادر الثّالثة.

ترجمه فعل ها و مصدرهای زیر را ترجمه کن

المضارع	الأمر و النهي	المضارع و المستقبل	الماضي
إِخْسَانٌ: نیکی کردن	أَحْسِنْ: نیکی کن (فعل امر)	يُحْسِنُ: نیکی می کند	قَدْ أَحْسَنَ: نیکی کرده است (ماضي نقلی)
إِقْتِرَابٌ: نزدیک شدن	لَا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید (فعل نهی)	يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می شوند.	إِقْتَرَبَ: نزدیک شد
إِنْكَسَارٌ: شکسته شدن	لَا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو (فعل نهی)	سَيَنْكَسِرُ: شکسته خواهد شد. (فعل مستقبل)	إِنْكَسَرَ: شکسته شد
إِسْتِغْفَارٌ: آمرزش خواستن	إِسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه (فعل امر)	يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می خواهد	إِسْتَفْعَرَ: آمرزش خواست
مُسَافَرَةٌ: سفر کردن	لَا تُسَافِرْ: سفر نکن (فعل نهی)	لَا يُسَافِرُ: سفر نمی کند.	مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم (ماضي منفي)
تَعَلُّمٌ: یاد گرفتن	تَعَلَّمْ: یاد بگیر (فعل امر)	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند	تَعَلَّمَ: یاد گرفت
تَبَادُلٌ: عوض کردن	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید (فعل نهی)	تَتَبَادَلُونَ: عوض می کنید	تَبَادَلْتُمْ: عوض کردید
تَعْلِيمٌ: آموزش دادن	عَلِّمْ: آموزش بده (فعل امر)	سَوْفَ يُعَلِّمُ: آموزش خواهد داد (فعل مستقبل)	قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است (ماضي نقلی)

التّمدین الرابع

أَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ:

ترجمه عملیات های حسابی زیر را مانند نمونه بنویس.

۱- عَشْرَةٌ زَائِدُ أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ. ← $10 + 4 = 14$

۲- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ. ← $100 \div 2 = 50$

۳- ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ. ← $8 \times 3 = 24$

۴- سِتَّةٌ وَ سَبْعُونَ نَاقِصٌ أَخَذَ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةَ وَسِتِّينَ. ← $76 - 11 = 65$



التَّامِدِينَ الْخَامِسَ

عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنَةِ.

ترجمه محل اعرابی کلمات **رنگی** را مشخص کن (منظور از محل اعرابی، نقش کلمه است). (مادر این جانقش تمام کلمات را آورده ایم و کلمات مدنظر کتاب را رنگی کرده ایم).

١- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الفتح: ٢٦)

فعل فاعل مفعول م.اليه ج.م ج.م م.اليه ج.م

ترجمه خداوند آرامشش را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان نازل کرد.

کالبد شکافی: «انزَلَّ» فعل ماضی و ثلاثی مزید از باب «إفعال» است.

٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (البقرة: ٢٨٦)

فعل فاعل مفعول م.اليه

ترجمه خداوند به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌دهد.

کالبد شکافی: «يُكَلِّفُ» فعل مضارع و ثلاثی مزید از باب «تفعیل» است. • «لَا» در «لَا يُكَلِّفُ» از نوع «نهی» است؛ زیرا در انتهای فعل، تغییری ایجاد نکرده است.

٣- ﴿السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ﴾ (رسول الله ﷺ)

مبتدا	خير	مبتدا	خير
-------	-----	-------	-----

ترجمہ سکوت طلاست و سخن نقرہ است.

کالبر شکافی: «ذَهَبْ: طلا، را که اسم است، با «ذَهَبْ: رفت» که فعل ماضی و ثلاثی مجرد است، اشتباه نگیرید.

٤- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ)

مبتداً مالىہ مالىہ ج.م خبر مالىہ ج.م مالىہ

ترجمه محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خدا، سودمندترین آن‌ها برای بندگان است.

کالبد شکافی: «أَحَبُّ» و «أَنْفَعُ» اسم تفضیل اند. («أَحَبُّ» در اصل «أَحَبُّ» بوده است). • «عِبَاد: بندگان» جمع مکتّر و مفرد آن «عَبْد» است.

٥- عداوة العاقل خيرٌ من صداقة الجاهل. (أمير المؤمنين عليّ عليه السلام)

مبتدا م.اليه خبر ج.م م.اليه

ترجمہ دشمنی دانا، بہتر از دوستی نادان است.

کالبد شکاف: «عداوة: دشمنی» و «صداقة: دوستی» هر دو مصدرند. • «العاقل: دانا» و «الجاهل: نادان» اسم فاعل از ثلاثی مجزئند. • «خیر» در اینجا

همراه با «من» آمده و اسم تفضیل است.

التَّحْدِثُ السَّادِسُ

📖 ترجم التراكيب و الجمل التالية، ثُمَّ عَيِّن اسمَ الفاعِلِ، و اسمَ المفعول، و اسمَ المُبالغة، و اسمَ المكان، و اسمَ التَّفضيل.

ترجمه ترکیب‌ها و جمله‌های زیر را ترجمه کن؛ سپس اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.

١- ﴿زَبُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾ (الشُّعْرَاءُ: ٢٨)

م.اليه معطوف

ترجمہ پروردگار مشرق و مغرب **پاسخ** «المشرق» و «المغرب» ہر دو اسم مکان هستند۔

٢- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ (المائدة: ١٠٩)

ماليه

ترجمه همانا تو بسیار دانای نهان‌ها هستی. **پاسخ** «عَلَّام» اسم مبالغه است.

کالبد شکافی: «غُیُوب: نہان ہا» جمع مکسر «غَیْب» می باشد.

٣- ﴿...مَنْ تَعَثَّنَا مِنْ مُقَدِّنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾ (يس: ٥٢)

مبتدا	فعل و فاعل مفعول	چم	مالیه مبتدا خبر فعل	فاعل	فعل	فاعل
-------	------------------	----	---------------------	------	-----	------

ترجمه چه کسی، ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این چیزی است که خداوند رحمان وعده داد و فرستادگان راست گفتند.

پاسخ «مَرَقَد» اسم مکان و «مُرْسَلُون» اسم مفعول ثلاثی مزید از باب «افعال» است.

کالبد شکاف: «بَعَثَ» فعل ماضی و ثلاثی مجزئ و خبر برای «مَنْ» است. • ضمیر «نا» اگر به فعل ماضی بچسبید، می تواند فاعل یا مفعول باشد که برای تشخیص

آن باید به حرکت حرف قبل از «نا» (سومین حرف اصلی فعل) نگاه کنیم؛ اگر حرکت این حرف ساکن باشد، «نا» فاعل است و اگر حرکت داشته باشد، «نا» مفعول است.

مثال: عَرَفْنَا الْمُعَلِّمَ: معلم را شناختیم. (حرکت حرف قبل از «نا» ساکن است، پس «نا» فاعل است.) • عَرَفْنَا الْمُعَلِّمَ: معلم، ما را شناخت. (حرف قبل از «نا»

حرکت دارد، پس «نا» مفعول است. • «وَعَدَ» فعل ماضی و ثلاثی مجزئ است. • «مَنْ» در این آیه از نوع پرسشی یا استفهام است.

■ لغات مشابه: «صَدَقَ» است گفت / «صَدَقَ» یاور کردن / «صَادَقَ» دوستی کردن

۴- یا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.

فعل و فاعل مفعول

ترجمه ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد. **پاسخ** «المُحْسِنِينَ» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «إفعال» است.

کالبد شکافی: «يُحِبُّ» فعل مضارع و ثلاثی مزید از باب «إفعال» است. (در اصل «يُحِبُّ» بوده.)

• حواستان باشد که اسم فاعل و اسم مفعول یک ساختار و ویژگی مربوط به اسم هستند و ارتباطی با فاعل و مفعول که محل اعرابی (نقش کلمه در جمله) محسوب می شوند، ندارند؛ به عبارت دیگر اسم فاعل یا اسم مفعول بودن، تضادی با فاعل یا مفعول بودن ندارد. مثلاً در همین جمله «المُحْسِنِينَ» یک اسم فاعل است که در نقش مفعول واقع شده است.

۵- یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

م.الیه

ترجمه ای رحم کننده ترین رحم کنندگان **پاسخ** «أَرْحَمَ» اسم تفضیل و «الرَّاحِمِينَ» اسم فاعل ثلاثی مجرد است.

۶- یا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ.

م.الیه م.الیه

ترجمه ای پوشاننده هر عیب داری **پاسخ** «سَاتِرَ» اسم فاعل و «مَعْيُوبٍ» اسم مفعول است که هر دو از یک فعل ثلاثی مجرد می باشند.

کالبد شکافی: «كُلِّ» جزء کلمات مهم است که برای ترجمه آن باید به کلمه بعد از آن دقت کنید؛

- كُلِّ + اسم مفرد نکره ← هر مثال: كُلِّ لَيْلٍ: هر شب
- كُلِّ + اسم مفرد معرفه ← همه، تمام مثال: كُلِّ اللَّيْلِ: همه شب، تمام شب
- كُلِّ + اسم جمع ← همه مثال: كُلِّ اللَّيَالِي: همه شب ها

۷- یا غَفَّارَ الذُّنُوبِ.

م.الیه

ترجمه ای بسیار آمرزنده گناهان **پاسخ** «غَفَّارَ»: اسم مبالغه است.

کالبد شکافی: «الذُّنُوبِ»: جمع مکسر «الذُّنُبِ» است.

التَّمْدِينُ السَّابِعُ

عَيْنُ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

ترجمه کلمه ناهماهنگ را در هر مجموعه مشخص کن.

- ۱- صَبَاحٌ ☐ مَسَاءٌ ☐ لَيْلٌ ☐ مَيِّتٌ ☒
صبح عصر شب مرده

پاسخ همگی از زمان های شب و روز هستند به جز «مَيِّتٌ» که به معنای «مرده» است.

- ۲- عَجَبٌ ☐ لَحْمٌ ☒ فُسُوقٌ ☐ إِثْمٌ ☐
خودپسندی گوشت آلوده شدن گناه

پاسخ همگی مربوط به گناه و کارهای حرام اند به جز «لَحْمٌ» که به معنای «گوشت» می باشد.

- ۳- گَبَائِرٌ ☒ نِسَاءٌ ☐ رِجَالٌ ☐ أَوْلَادٌ ☐
گناهان بزرگ زنان مردان فرزندان

پاسخ همگی مربوط به جمع انسان هاست به جز «گَبَائِرٌ» که به معنای «گناهان بزرگ» است.

- ۴- سَخِرَ ☐ عَابَ ☐ سَاعَدَ ☒ لَمَزَ ☐
ریشخند کرد عیب جویی کرد کمک کرد عیب گرفت

پاسخ همگی بیانگر یک عمل زشت اند به جز «سَاعَدَ» که به معنی «کمک کرد» می باشد.

- ۵- أَحْمَرٌ ☒ أَحْسَنٌ ☐ أَجْمَلٌ ☐ أَصْلَحٌ ☐
قرمز بهتر، بهترین زیباتر، زیباترین شایسته تر، شایسته ترین

پاسخ همگی اسم تفضیل اند به جز «أَحْمَرٌ: قرمز» که جزء رنگ هاست و اسم تفضیل نیست.

- ۶- أَصْفَرٌ ☐ أَزْرَقٌ ☐ أَيْضٌ ☐ أَكْثَرٌ ☒
زرد آبی سفید بیشتر، بیشترین

پاسخ همگی رنگ اند به جز «أَكْثَرٌ» که اسم تفضیل است و رنگ نمی باشد.



التَّامِرِينَ الثَّامِنَ

📖 ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

ترجمه در جای خالی کلمه‌ای مناسب قرار بده.

١- إِشْتَرَيْنَا وَفَسَاتَيْنَ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتَجَرِّ.

فعل و فاعل مفعول	معطوف	ج.م	صفت	ج.م
------------------	-------	-----	-----	-----

☒ سَراوِيل

شلوارهایی

أَشْهُرًا □

ماه‌هایی

□ مَوَاقِفَ

ایستگاه‌هایی

ترجمه **شلوارها** و پیراهن‌های زنانه‌ای را با قیمت‌هایی ارزان در فروشگاه خریدیم.

کالبد شکافی: «إِشْتَرَيْنَا» فعل ماضی و ثلاثی مزید از باب «إِفْتَعَال» است. • «سَرَاوِيل»، «قَسَاتین»، «أَشْهُرُ» و «مَوَاقِف» همگی جمع مکسرند و مفردشان

به ترتیب «سِرْوال»، «فُستان»، «شَهر» و «مَوْقِف» می باشد. • «مَوَاقِف» بر وزن «مَفَاعِل» و «مَتَجَر» بر وزن «مَفْعَل» هر دو اسم مکان هستند.

٢- مَنْ الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَغْتَذِرَ إِلَيْهِمْ.

ج.م	ج.م فعل وفاعل	مفعول	أدات شرط فعل وفاعل (فعل شرط)
-----	---------------	-------	------------------------------------

☒ اِغْتَابَ

غیبت کرد

□ اِتَّقِيْ

پروا کرد

مَدَحَ

ستایش کرد

ترجمه هر کس **غیبت** مؤمنان را **پکند**، پس باید از آن‌ها عذرخواهی کند.

کالبد شکافی: «علیه أن یَعْتَذِرَ» جواب شرط این جمله است. • «إِغْتَابَ» ماضی و «یَعْتَذِرُ» مضارع است و هر دو ثلاثی مزید از باب «إِفْتَعَال» می باشند.

• «عَلَى» در ابتدای جمله به همراه اسم یا ضمیر، معنای «باید» دارد. **مثال:** «عَلَيْكَ أَنْ تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ: تو باید بر خداوند توکل کنی.»

٣- خَمْسَةٌ وَسِتُّونَ نَاقِصٌ ثَلَاثَةٌ وَعِشْرِينَ يُسَاوِي .

مبتدا	معطوف خبر	م.اليه	معطوف فعل و فاعل	مفعول
-------	-----------	--------	------------------	-------

☒ اِثْنَيْنِ وَ اَرْبَعَيْنِ

چهل و دو

اِثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ

هفتاد و دو

□ أَرْبَعَةٌ وَعِشْرِينَ

یست و چهار

ترجمه شصت و پنج منهای بیست و سه، برابر است با چهل و دو.

کالبد شکاف: در اعداد ۲۱ تا ۹۹، قسمت عقود همواره معطوف اند. • «یُسَوی» فعل مضارع و ثلاثی مزید از باب «مُفاعَلَة» است.

٤- أرادَ المُشْتَرِي السَّعْرَ.

فعل	فاعل	مفعول	م.اليه
-----	------	-------	--------

نوعیه

جنس

☐ مَنَجَّرٌ

مغازہ

☒ تَخْفِضُ

تَخْفِيفٌ

ترجمه مشتری تخفیف قیمت را خواست.

کالبد شکاف: «أَرَادَ» فعل ماضی و ثلاثی مزید از باب «إِفعال» است (أَرَادَ، یُریدُ، إِرَادَة). • «المُشْتَرِی» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «إِفْتعال» است. • «تَخْفِیض»

مصدر باب «تفعیل» است.

سؤالات امتحان

لغات (۱۴۶ سوال)

(۳۳ سوال)

ترجمہ واژه

مشاورہ: در امتحان نهایی به صورت معمول همواره **یک نمره** از معنای لغت سؤال داریم؛ به این شکل که غالباً چهار کلمه در جمله می دهند (۲ اسم و ۲ فعل) و زیر لغت مورد نظر خط می کشند تا شما ترجمه دقیق را بنویسید. حتی الامکان سعی کنید کلمه را براساس ساختار جمله و تأثیرات آن بر لغت مدنظر طراح ترجمه کنید. مثلاً در عبارت «**كانت الشجرة تنمو من حبة صغيرة**» زیر «**تنمو**» خط کشیده شده که ظاهراً یک فعل مضارع است، ولی چون قبل از آن «**كانت**» آمده، باید به شکل ماضی استمراری ترجمه شود (رشد می کرد)؛ پس به نکات مختلف مثل مفرد یا جمع زمان فعل ها و... توجه کنید.

۱. ترجم الکلیمات الٹی تحتہا خط:

۱. فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ.
۲. وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ.
۳. لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.
۴. «بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»
۵. قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِينَ، وَ تَسْمِيَتَهُمُ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.
۶. أَكْبَرُ الْغَيْبِ أَنْ تُعَيِّبَ مَا فِيكَ مِنْهُ.
۷. وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ.
۸. خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ.
۹. «أُجِيبْ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتاً فَكَرِهْتُمُوهُ»
۱۰. أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ.
۱۱. وَ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ.
۱۲. ذَلِكَ مَتَجَرِّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ.
۱۳. إِنَّ بَغْضَ الظَّنِّ إِيْتِمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضاً.
۱۴. كَمْ يَسْعُرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِي؟
۱۵. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْراً مِنْهُمْ»
۱۶. وَلَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْأَلْقَابِ يَكْرَهُونَهَا.
۱۷. قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا.
۱۸. تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى.
۱۹. لَا تُعَيِّبُوا الْآخَرِينَ.
۲۰. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ.
۲۱. حَرَّمَ اللَّهُ تَسْمِيَةَ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.
۲۲. الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُّلِ.
۲۳. سَمَّى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.
۲۴. إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلَ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.
۲۵. شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ.

(خرداد ۱۴۰۲)



٢٦. خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.

٢٧. حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.

٢٨. «رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا»

٢٩. «أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ»

٣٠. «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرِ»

٣١. مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ.

٣٢. «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ»

٣٣. «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ»

(٢٤ سؤال)

شناخت مفرد و جمع مکسر



مشاوره: غالباً در امتحان نهایی تمامی پایه‌ها **نیم نمره** از کلمات مفرد و جمع مکسر سؤال داریم (هر کدام ۰/۲۵) که برای پاسخ دادن به این قسمت باید همه جمع و مفردهای کتاب درسی را خوب به خاطر بسپارید، حتی کلمات پاورقی. یادتان باشد اصولاً سؤالات این قسمت چالش خاصی ندارد مگر اینکه طراح سؤال روی کلمات شبیه به هم مثل «کبیره» که جمع آن می‌شود «کبائر» و «اکبر» که جمع آن می‌شود «اکابر» متمرکز شود که جای نگرانی نیست، زیرا در ابتدای هر درس یک کادر کامل از جمع مکسر ها و مفردهایشان برایتان آماده کرده‌ایم که با خواندن آن به راحتی می‌توانید به سؤالات این بخش پاسخ دهید و نمره کامل را کسب کنید.

٢ اَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْمَفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ:

- | | |
|--|---|
| ٣٥. الْكِبَائِرُ (المفرد): | ٣٤. الْأَلْقَابُ (المفرد): |
| ٣٧. الْأَسْرَارُ (المفرد): | ٣٦. الْمَوْتَى (المفرد): |
| ٣٩. السَّرَاوِيلُ (المفرد): | ٣٨. الذُّنُوبُ (المفرد): |
| ٤١. النَّفْسُ (الجمع المكسر): | ٤٠. الرُّمَلَاءُ (المفرد): |
| ٤٣. الْأَكْبَرُ (الجمع المكسر): | ٤٢. الْعَيْبُ (الجمع المكسر): |
| ٤٥. الْأَرْدَلُ (الجمع المكسر): | ٤٤. الْمَكْتَبَةُ (الجمع المكسر): |
| ٤٧. الْفُسْتَانُ (الجمع المكسر): | ٤٦. الشَّعْرُ (الجمع المكسر): |

(خرداد ۱۴۰۲)

٣ اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي الْمَفْرَدِ أَوْ الْجَمْعِ:

- | | | |
|---|---|--------------------------|
| ☐ الف (الفُضَّلَاءُ) | ☐ ب (الأَفْضَالُ) | ٤٨. جمع «الأَفْضَلُ»: |
| ☐ الف (المَطْعَمُ) | ☐ ب (الطَّعَامُ) | ٤٩. مفرد «المَطَاعِمُ»: |
| ☐ الف (الإِخْوَانُ) | ☐ ب (الأَخَوَاتُ) | ٥٠. جمع «الأَخَّ»: |
| ☐ الف (المَعَابِدُ) | ☐ ب (الْعِبَادُ) | ٥١. جمع «العَبْدُ»: |
| ☐ الف (المُبْهَمُ) | ☐ ب (البَّهِيْمَةُ) | ٥٢. مفرد «البَّهَائِمُ»: |
| ☐ الف (الأَصَاغِرُ) | ☐ ب (الصُّغَارُ) | ٥٣. جمع «الأَصْغَرُ»: |
| ☐ الف (الجِلْمُ) | ☐ ب (اللَّحْمُ) | ٥٤. مفرد «اللُّحُومُ»: |
| ☐ الف (الرِّجَالُ) | ☐ ب (الأَرْجُلُ) | ٥٥. جمع «الرَّجُلُ»: |
| ☐ الف (المَوْتُ) | ☐ ب (المَيِّتُ) | ٥٦. مفرد «الْأَمْوَاتُ»: |
| ☐ الف (التَّاجِرُ) | ☐ ب (الْمَتَجَرِّعُ) | ٥٧. مفرد «الْمَتَاجِرُ»: |

مشاوره: همواره یکی از سوالات ابتدایی امتحان نهایی سؤال مترادف متضاد است که نیم نمره از ۲۰ نمره امتحان شما را تشکیل می‌دهد و ممکن است به صورت‌های مختلفی از آن سؤال مطرح شود. گاهی دو جمله می‌دهند و می‌گویند از این دو جمله متضاد و مترادف‌های موجود را پیدا کنید یا ممکن است چند کلمه بدهند تا شما از بین آن‌ها مترادف یا متضاد را پیدا بکنید اما نکته مهم این است که نیازی به نوشتن لغات از حفظ نیست؛ خود کلمات را می‌دهند و شما باید بتوانید از بین آن‌ها مترادف و متضادها را انتخاب کنید؛ در ادامه شکل‌های مختلف این سؤال را می‌بینید.

۴. انتخاب المترادف أو المتضاد من بين المفردات التالية:

(مخفي - عميل - لَمَزَ - بُنِسَ - تقاطع - أكثر - سعي - أفاضل)

۵۸. عاب =
۶۰. فَعَلَ =
۶۲. أراذل ≠
۶۴. نَغِمَ ≠
۵۹. مُحاولَة =
۶۱. مَسْتور =
۶۳. أَقْلَ ≠
۶۵. تَوَاضَل ≠

۵. اجعل علامة الترادف أو التضاد بين المفردات التالية (= ≠):

۶۶. كبائر ○ الذنوب الكبيرة
۶۸. خفي ○ ظاهر
۷۰. رخيص ○ غالي
۷۲. سمر ○ ثمن
۶۷. عسي ○ ربما
۶۹. إثم ○ ذنب
۷۱. ساء ○ حسن

۶. انتخاب الصحيح في المترادف و المتضاد:

۷۳. المتضاد لمفردة «نهى»:
۷۴. المتضاد لمفردة «حي»:
۷۵. المترادف لمفردة «معصية»:
۷۶. المترادف لمفردة «قيمة»:
۷۷. المترادف لمفردة «أعمال»:
۷۸. المترادف لمفردة «تكبر»:
۷۹. المترادف لمفردة «سخرية»:
۸۰. المتضاد لمفردة «ضل»:
۸۱. المتضاد لمفردة «صداقة»:
☐ الف) أَمَرَ
☐ الف) مَيَّتَ
☐ الف) ذَنْبَ
☐ الف) غَالِيَةً
☐ الف) عُمَالِ
☐ الف) عُجْبَ
☐ الف) فُسُوقِ
☐ الف) إِهْتَدَى
☐ الف) عَدُوَّ
☐ ب) فَعَلَ
☐ ب) مَوْتَ
☐ ب) ذَنْبَ
☐ ب) تَخْفِيزِ
☐ ب) أُمُورِ
☐ ب) إِثْمِ
☐ ب) إِسْتِهْزَاءِ
☐ ب) أَهْدَى
☐ ب) عَدَاوَةٍ

۷. انتخاب المترادف و المتضاد من الجمل التالية:

۸۲. يَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَعْمَلَ الْعَمَلَ الْجَمِيلَ وَ تَجْتَنِبَ مِنَ الْأَمْرِ الْقَبِيحِ.

۸۳. الْكَلَامُ كَثِيرُهُ يَضُرُّ فَالْتَزِمَ بِالشُّكُوتِ لِيَنْفَعَكَ.

۸۴. يَتَعَلَّمُ الصَّغَارُ مِنَ الْكِبَارِ كَيْفَ يَتَجَنَّبُونَ الذُّنُوبَ الْكَبِيرَةَ وَ الْكِبَائِرَ.

۸۵. سَأَلَ الْمُشْتَرِي عَنْ ثَمَنِ السَّرَاوِيلِ فَأَجَابَهُ الْبَائِعُ بِأَنْ سِعَرَ بَعْضُهَا رَخِيصَةً وَ بَعْضُهَا غَالِيَةً.

۸۶. يُبْنَى الْعُجْبُ جِدَاراً حَوْلَ الْقَلْبِ لَكِنِ التَّوَاضُّعُ يَفْتَحُ أَبْوَابَ الْفُرْصِ لِلْمُحَاوَلَةِ وَ السَّعْيِ.



ترجمة تکنیکی لغات

مشاوره: این قسمت را می‌توانیم یک قسمت فنی و تکنیکی بدانیم، زیرا مسلط شدن روی سؤالات آن به شما در پاسخ‌دهی به سؤالات ترجمه جمله یا سؤالات دوگزینه‌ای کمک ویژه‌ای می‌کند. حواستان باشد که صرفاً با حفظ لغات نمی‌توانید به سؤالات این قسمت پاسخ دهید و باید تکنیک‌های ترجمه‌ای را بدانید و کلمه را با توجه به جایگاهش در جمله ترجمه کنید، پس با حوصله و آرامش به این سؤالات پاسخ دهید.

۸. انتخب الجواب حسب ترجمة المفردات المعينة أو العبارات:

- | | | |
|--|---|--|
| ۸۷. لَا يَغْتَنِبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا: | ☐ الف) یکدیگر | ☐ ب) برخی از |
| ۸۸. أَكْبَرُ الْعَيْبِ، أَنْ تُعَيِّبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ: | ☐ الف) عیب بگیری | ☐ ب) ریشخند کنی |
| ۸۹. إِرْحَمْنَا: | ☐ الف) رحم کردیم | ☐ ب) به ما رحم کن |
| ۹۰. كَثِيرًا مِنَ الظَّن: | ☐ الف) بسیاری از گمان‌ها | ☐ ب) گمان‌های بسیاری |
| ۹۱. تَعَلَّمِ الْعُلُومَ: | ☐ الف) یاد دادن | ☐ ب) یاد گرفتن |
| ۹۲. سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ): | ☐ الف) پرسیده شد | ☐ ب) پرسید |
| ۹۳. أُعْطِنِي: | ☐ الف) بده (عطا کن) | ☐ ب) به من بده (عطا کن) |
| ۹۴. تَنْصَحُنَا: | ☐ الف) ما را نصیحت می‌کند | ☐ ب) ما نصیحت می‌کنیم |
| ۹۵. الدَّرْسُ الْآخَرُ: | ☐ الف) دیگر | ☐ ب) پایان |
| ۹۶. جَادِلْهُمْ: | ☐ الف) بحث کرد | ☐ ب) بحث کن |
| ۹۷. الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُّلِ: | ☐ الف) دلایل مهم‌تر | ☐ ب) مهم‌ترین دلایل |
| ۹۸. هَذِهِ الْفَسَاتِينُ: | ☐ الف) این‌ها پیراهن زنانه‌اند | ☐ ب) این پیراهن‌های زنانه |
| ۹۹. خَمْسِينَ أَلْفَ: | ☐ الف) پنج هزار | ☐ ب) پنجاه هزار |
| ۱۰۰. يَا سَاتِرُ كُلِّ مَعْيُوبٍ: | ☐ الف) هر معیوبی | ☐ ب) همه معیوب‌ها |
| ۱۰۱. حَسَنْتَ: | ☐ الف) نیکو شدی | ☐ ب) نیکو گردانیدی |
| ۱۰۲. لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ: | ☐ الف) شلوارهای بهتری | ☐ ب) شلوارهای خوبی |
| ۱۰۳. عَسَى أَنْ يَكُونُوا: | ☐ الف) چه بسا که باشند | ☐ ب) چه بسا که بودند |
| ۱۰۴. الْآيَةُ الْأُولَى: | ☐ الف) آیه اول | ☐ ب) یک آیه |
| ۱۰۵. بِشَى الْعَمَلِ: | ☐ الف) کار بد | ☐ ب) کار بدی است |

شناخت کلمه غریبه (نامرتب)

مشاوره: به‌طور معمول هر ساله دو سؤال (یعنی ۵/۰) از موضوع کلمات ناهماهنگ سؤال داریم که یکی از آن‌ها انتخاب کلمه ناهماهنگ از نظر معنا و دیگری انتخاب کلمه ناهماهنگ از نظر قواعدی است.

۹. عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ:

الف عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ حَسَبَ التَّرْجَمَةِ:

- | | |
|--|---|
| ۱۰۶. الصَّبَاحُ - الْمَيِّتُ - اللَّيْلُ - الْمَسَاءُ: | ۱۰۷. الْفَضْحُ - السُّعْرُ - الْغَالِيَةُ - التَّخْفِيفُ: |
| ۱۰۸. الذَّنْبُ - الْخَطِيئَةُ - الْبَهَائِمُ - الْإِثْمُ: | ۱۰۹. سَخِرَ - عَابَ - لَمَزَ - أَكَلَ: |
| ۱۱۰. الْعُجْبُ - التَّكْبُرُ - الْمِيزَانُ - الْإِسْتِهْزَاءُ: | ۱۱۱. الْفُسْتَانُ - الْقَمِيصُ - الشَّرْوَالُ - الْبَائِعُ: |
| ۱۱۲. الْمَتَجَرُّ - السُّوقُ - الدُّكَّانُ - الْمَوْقِفُ: | ۱۱۳. النِّسَاءُ - الْأَوْلَادُ - الْكِبَائِرُ - الرِّجَالُ: |
| ۱۱۴. أَحْسَنُ - أَعْلَمُ - أَفْضَلُ - خَيْرُ: | |

ب. عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ:

.....: بیان السَّبَبِ:	: الجواب:	۱۱۵. أَبْقَى - أَكْبَرَ - خَيْرَ - آفَ:
.....: بیان السَّبَبِ:	: الجواب:	۱۱۶. أَعْمَالٌ - عُيُوبٌ - أَخْلَاقٌ - لَحْمٌ:
.....: بیان السَّبَبِ:	: الجواب:	۱۱۷. مَطْبَعَةٌ - مَعْرِفَةٌ - مَوْقِفٌ - مَصْنَعٌ:
.....: بیان السَّبَبِ:	: الجواب:	۱۱۸. الْفَسَاتِينُ - الْفَلَّاحُونَ - الرَّاحِمِينَ - الشَّامِعِينَ:
.....: بیان السَّبَبِ:	: الجواب:	۱۱۹. أَصْفَرٌ - أَرْزَقَ - أَكْثَرَ - أَبْيَضَ:
.....: بیان السَّبَبِ:	: الجواب:	۱۲۰. أَكْبَرَ - أَصْفَرَ - أَعْلَى - أَهَمَّ:
.....: بیان السَّبَبِ:	: الجواب:	۱۲۱. الْمُحْسِنُ - الْمُؤْمِنُ - الْمُحَاوَلَةُ - الْمُفَسِّرُ: +۲۰
.....: بیان السَّبَبِ:	: الجواب:	۱۲۲. أَحْسَنَ - أَصْفَرَ - أَحْمَقَ - أَعْظَمَ:
.....: بیان السَّبَبِ:	: الجواب:	۱۲۳. آيَاتٌ - أَمْوَاتٌ - نَوْعِيَّاتٌ - سَيِّئَاتٌ:
.....: بیان السَّبَبِ:	: الجواب:	۱۲۴. يَعْتَذِرُ - يَلْمِزُ - يَقْتَرِبُ - يُكَلِّفُ: +۲۰
.....: بیان السَّبَبِ:	: الجواب:	۱۲۵. أَحْسَنَ - أَصْفَرَ - أَعْلَى - أَقْلَ:
.....: بیان السَّبَبِ:	: الجواب:	۱۲۶. عِبَادٌ - رِجَالٌ - غِيَابٌ - ذُنُوبٌ: +۲۰
.....: بیان السَّبَبِ:	: الجواب:	۱۲۷. غَلَامٌ - غَفَّارٌ - رَحْمَنٌ - سَتَارٌ:

(خرداد ۱۴۰۲)

(شبه‌نهایی فروردین ۱۴۰۲)

۱۰ سؤال

تعريف واژه به عربی، انتخاب کلمه مناسب برای کامل کردن جمله

مشاوره: در امتحان نهایی، غالباً به میزان یک نمره، سؤالی مربوط به پرکردن جای خالی با کلمات مناسب داریم که مستقیم با لغات درسی در ارتباط است. حواستان باشد که لزوماً این تعاریفات همان تعاریفات کتاب درسی نیست؛ مثلاً تعریف کلمه «التَّوْبَةُ» در کتاب درسی نیست اما طراح با کلمات کتاب یک جمله در توضیح آن به شما می‌دهد (الحالة التي يندم الانسان من ذنبه: حالتی که انسان از گناهش پشیمان می‌شود). پس علاوه بر یادگیری تعاریف کتاب، به اطلاعات عمومی موجود در کتاب هم مسلط باشید، چون سؤالات مهمی در این بخش مطرح می‌شود.

۱۰. اكْمِلِ الْفَرَاقَاتِ بِكَلِمَةٍ مُنَاسِبَةٍ مِنْ بَيْنِ الْقَوْسَيْنِ (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ):

(التَّوْبَةُ - الْعُجْبُ - اِغْتَابٌ - اُهْدَى - حَرَمٌ - اللَّحْمُ - الْفُسُوقُ - الْغِيْبَةُ - الْكِبَائِرُ - التَّوْبَةُ - التَّجَشُّسُ - غَرَّةٌ)

۱۲۸. مِنْ أَجْزَاءِ جِسْمِ الْإِنْسَانِ وَالْحَيَوَانَاتِ. (.....)
۱۲۹. الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ (.....)
۱۳۰. مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ (.....)
۱۳۱. الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ. (.....)
۱۳۲. مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ (.....) (شبه‌نهایی فروردین ۱۴۰۳)
۱۳۳. ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ. (.....)
۱۳۴. أُعْطِيَ شَيْئاً أَوْ هَدِيَّةً لِأَحَدٍ. (.....)
۱۳۵. جَعَلَهُ حَرَاماً. (.....)
۱۳۶. التَّدَامَةُ مِنَ الذَّنْبِ وَالْعَزْمُ عَلَى تَرْكِهِ (.....)
۱۳۷. تَرَكَ أَمْرَ اللَّهِ وَارْتِكَابُ الْمَعَاصِي (.....)

(خرداد ۱۴۰۲)

۹ سؤال

صحیح و خطا بر اساس واقعیت و کتاب درسی

مشاوره: در این بخش به طور معمول ۴ جمله که مجموعاً یک نمره از امتحان نهایی را تشکیل می‌دهند سؤال داریم. این بخش زیرمجموعه و مکمل بخش قبلی است و برای پاسخ دادن به آن در ابتدا باید بر اطلاعات عمومی و موارد مطرح‌شده در کتاب درسی مسلط باشید و سپس به سراغ اطلاعات خودتان بروید تا بتوانید به سؤالات پاسخ دهید؛ مثلاً در کتاب درسی گفته شده «بدترین مردم دو رویان هستند».

۱۱. عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ الْحَقِيقَةِ أَوِ الْوَاقِعِ (X✓):

۱۳۸. الْغِيْبَةُ هِيَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ وَمِنْ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ. (.....)
۱۳۹. أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِنَفْسِهِ. (.....)
۱۴۰. الْكِبَائِرُ هُمُ الَّذِينَ أَكْبَرُ مِنْهُمْ سِنًا. (.....)
۱۴۱. الْمَتَجَرُّ مَكَانٌ لِلتَّجَارَةِ أَوْ بَيْعِ الْأَشْيَاءِ. (.....)
۱۴۲. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. (.....)
۱۴۳. الْمَيِّتُ مَنْ خَرَجَتْ رَوْحُهُ مِنْ جِسْمِهِ وَلَا يَتَنَفَّسُ. (.....)
۱۴۴. الْعُجْبُ صِفَةٌ لِلَّذِي يُحِبُّ الْآخَرِينَ. (.....)
۱۴۵. التَّجَشُّسُ هُوَ مِنَ الْكِبَائِرِ فِي الْإِسْلَامِ وَمِنْ السَّيِّئَاتِ. (.....)
۱۴۶. الْفُسُوقُ هُوَ الْخُرُوجُ عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ. (.....) +۲۰



ترجمة جملات (۵۶ سؤال)

(۲۰ سؤال)

جملات کتاب درسی



مشاوره: این قسمت، یعنی ترجمه جمله، مهم‌ترین و پرنمره‌ترین قسمت در امتحان نهایی است که تقریباً بین ۷ تا ۶ نمره از امتحان را به خود اختصاص می‌دهد و معمولاً در این سؤال بین ۱۱ تا ۹ جمله برای ترجمه کردن داریم. باید بدانید که جملات این سؤال غالباً به دو دسته تقسیم می‌شوند. بخش اول شامل عبارات و احادیث کتاب درسی است که دو یا سه عبارت هستند و غالباً بدون تغییرند و با حفظ کردنشان می‌توانید آن‌ها را ترجمه کنید، اما سایر جملات این بخش از قسمت‌های مختلف کتاب درسی مانند متن درس، تمرین، اعلمو و... طرح می‌شوند. حواستان باشد که در این جملات به ندرت جمله‌ای می‌بینید که **تغییر نکرده باشد**؛ یعنی طراح سؤال عبارات کتاب را از جهت‌های مختلف عوض می‌کند و تغییر می‌دهد. همچنین گاهی شاهد این هستیم که با تغییر فعل و زمان‌های جمله و سایر مطالب، یک جمله کاملاً جدید می‌سازند. پس در این قسمت باید تمرکزتان را حفظ کنید و با آرامش و با تمام قوا به سؤالات آن پاسخ بدهید. ضمناً این را هم بدانید که اغلب دانش‌آموزان در این قسمت نمره زیادی را ازدست می‌دهند. پس برای گرفتن یک نمره کامل در امتحان نهایی باید حساب ویژه‌ای روی این قسمت باز کنید. ما در این قسمت برای تسلط بهتر شما عباراتی را که کاملاً مطابق کتاب درسی‌اند یا تغییری جزئی داشتند در یک بخش آورده‌ایم و در بخش بعدی جملات ترکیبی و جدید را قرار داده‌ایم تا کاملاً روی ترجمه مسلط شوید. به عنوان سخن آخر باید بگوییم که حواستان باشد در ترجمه جملات تمامی تکنیک‌ها و فوت‌وفن‌های ترجمه، انواع فعل و زمان‌های آن، نکات قواعدی و لغات خاص را به کار بگیرید.

۱۲ ترجم الجمل التالية:

۱۴۷. وَلَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْأَلْقَابِ يَكْرَهُونَهَا.

۱۴۸. أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تُعَيِّبَ مَا فِيكَ مِثْلُهُ.

۱۴۹. تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ تَقُولُ: لَا تُعَيِّبُوا الْآخِرِينَ.

۱۵۰. لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.

۱۵۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ﴾

۱۵۲. إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.

۱۵۳. سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.

۱۵۴. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾

۱۵۵. ﴿مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾

۱۵۶. ﴿أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا﴾

۱۵۷. خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَأَجْمَلُ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ.

۱۵۸. فَقَدْ حَزَمَ اللَّهُ تَعَالَى: الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْآخِرِينَ.

۱۵۹. ﴿لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾

۱۶۰. ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾

۱۶۱. التَّجَسُّسُ، وَهُوَ مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٍ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ.

۱۶۲. اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي.

۱۶۳. فَعَلِينَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَأَنْ لَا نَذْكُرَ غُيُوبَ الْآخِرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ.

۱۶۴. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾

۱۶۵. ﴿لَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾

۱۶۶. ﴿أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾

(شبه‌نهایی فروردین ۱۴۰۳)

(خرداد ۱۴۰۲)

مشاوره: همان‌طور که گفتیم به جز آیات و احادیث که همواره بی‌تغییرند، سایر جملات کتاب درسی را می‌توان عوض کرد. پس ممکن است در این بخش جملات کتاب درسی را ببینید که ما آن‌ها را تغییر داده‌ایم و آن جمله شما را یاد قسمتی از کتاب درسی می‌اندازد یا عبارتی را ببینید که صرفاً از کلماتی که در کتاب درسی آمده است ساخته شده باشد و یک جمله کاملاً جدید باشد؛ یعنی جمله‌ای که شما قبلاً آن را ندیده‌اید و فقط لغات آن برای شما آشناست، پس خیلی خیلی مراقب این قسمت باشید و باطمینان و آرامش به سؤالات آن جواب دهید و اصلاً عجله نکنید که ممکن است در آن نمره از دست بدهید.

۱۳ ترجم الجمل التالية:

۱۶۷. اللَّهُ خَزَمَ التَّجَشُّسَ لِأَنَّهُ عَمَلٌ سَيِّئٌ يَقْطَعُ التَّوَاضُّلَ بَيْنَ النَّاسِ.
۱۶۸. هُوَ أَقْرَبُ شَخْصٍ لِي وَإِنْ كَانَ بَعِيداً مِنِّي.
۱۶۹. أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ يَجْتَنِبُ كَثِيراً مِنَ الظُّلْمِ، وَهُوَ خَيْرٌ لَهُ.
۱۷۰. لَا تُجَادِلْ مَنْ لَا يَسْتَمِيعُ إِلَى مَا تَقُولُ.
۱۷۱. أَحَبُّ أَصْدِقَائِي مَنْ هُوَ يَعْمَلُ بِوَعْدِهِ وَلَا يَلْمِزُ الْآخَرِينَ أَبَداً.
۱۷۲. مِنْ أَهَمِّ الْمَشْكَلاتِ الَّتِي يُوَاجِهُهَا الْإِنْسَانُ فِي حَيَاتِهِ هِيَ مُشْكِلةُ قَطْعِ التَّوَاضُّلِ بَيْنَ النَّاسِ.
۱۷۳. قَدْ نَشَاهَدُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَكْمَلُ مِنَّا فَعَلِينَا أَنْ لَا نَذْكُرَ عِيوبَهُ.
۱۷۴. أُخْتِي الصَّغِيرَةُ تُرِيدُ فُسْتَاناً أَرْخَصَ مِنْ هَذَا.
۱۷۵. تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالصِّفَاتِ الْقَبِيحَةِ وَاسْتِهْزَائِهِمْ، عَمَلَانِ قَبِيحَانِ.
۱۷۶. يَنْصَحُنَا الْقُرْآنُ أَنْ لَا نُسَمِّي أَحَداً بِالْقَابِ لَا يُحِبُّهَا.
۱۷۷. ذَهَبْتُ الْيَوْمَ نَحْوَ السُّوقِ لِأَشْتَرِيَ قَمِيصاً فَظَلَبْتُ مِنَ الْبَائِعِ أَنْ يُعْطِيَنِي التَّخْفِيفَ الْأَكْثَرَ.
۱۷۸. شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا.
۱۷۹. لَمَّا دَخَلْتُ فِي مَتَجَرِّ الْأَبْسَةِ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَى أَسْعَارِهَا.
۱۸۰. شُبَّهَ صَوْتُ مَنْ يَرْفَعُهُ دُونَ دَلِيلٍ بِصَوْتِ الْجَمَارِ.
۱۸۱. بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ يَعْتَبِرُونَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ مِنْ أَجْمَلِ سُورِ الْقُرْآنِ.
۱۸۲. الصَّدِيقُ الَّذِي أَهْدَى إِلَيْكَ عَيْبَكَ فَهُوَ خَيْرُ أَصْدِقَائِكَ.
۱۸۳. كَشَفَ أَسْرَارَ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا.
۱۸۴. فِي مَتَاجِرِ مَدِينَتِنَا الْمَلَابِشُ أَرْخَصَ مِنْ مَلَابِسِ مَتَاجِرِكُمْ.

(شبه‌نهایی فروردین ۱۴۰۳)

مشاوره: این مدل سؤال شامل نیم نمره از بارم امتحان شماسست و باید دقت کنید که در حل و انتخاب گزینه مناسب در این سؤالات معمولاً از نکات ترجمه‌ای و فنی استفاده کنید؛ یعنی در عبارت عربی یک فعل مضارع به همراه کان در قبل آن می‌بینیم که معادل ماضی استمراری است و در یک گزینه به صورت ماضی استمراری و گزینه دیگر به صورت مضارع ساده ترجمه شده است. توصیه می‌کنیم که در این بخش حتماً دو گزینه را با دقت بخوانید و به اختلافی بین آن‌ها توجه نکنید چرا که این به‌طور کلی فنی و حساس است و ممکن است در آن از ریزه‌کاری‌ها استفاده شده باشد.

۱۴ اِنْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ:

۱۸۵. «عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْراً مِنْهُمْ»:
- ☐ الف) چه بسا آن‌ها بهتر از ایشان باشند.
- ☐ ب) چه بسا آن‌ها نسبت به ایشان خوب‌اند.
۱۸۶. «بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ»:
- ☐ الف) آلودگی به گناه پس از ایمان، بدنامی است.
- ☐ ب) آلودگی به گناه بعد از اینکه ایمان آوردند، بدنامی است.
۱۸۷. «عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ»:
- ☐ الف) دشمن دانا بهتر از دوست نادان است.
- ☐ ب) دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است.

پاسخ سؤالات درس «۱»

۱. خودپسندی
۲. پروا کنید - بسیار توبه پذیر
۳. سنگین تر - ترازو
۴. بد است - آلوده شدن به گناه - توبه نکرد
۵. ریشخند کردن - نامیدن
۶. که عیب بگیري
۷. عیب جویی نکنید - به یکدیگر لقب های زشت ندهید
۸. برادران - هدیه کرد (کند)
۹. دوست دارد - گوشت - ناپسند داشته اید
۱۰. مرد - آرامش
۱۱. زشت - رسوا کردن - گناهان بزرگ
۱۲. فروشگاه، مغازه - شلوارهایی
۱۳. گناه - جاسوسی نکنید - نباید غیبت کند
۱۴. قیمت - پیراهن مردانه
۱۵. نباید مسخره کند - که باشند
۱۶. لقب ندهید
۱۷. بهتر
۱۸. ما را نصیحت می کند
۱۹. عیب جویی نکنید
۲۰. خوی، رفتار
۲۱. حرام کرد - زشت
۲۲. مهم ترین - دلایل
۲۳. نامیدند - تفسیرکنندگان
۲۴. فرومایگان، فرومایه ترها - شایستگان، شایسته ترها
۲۵. بدترین - پایینند نیست
۲۶. میانه ترین
۲۷. بشتاب
۲۸. بیامرز - رحم کن
۲۹. رحم کنندگان
۳۰. ماه
۳۱. چیره شد، چیره شود - چارپایان
۳۲. گمراه شد
۳۳. آرامش
۳۴. لَقَب (لقب)
۳۵. کَبیره (گناه بزرگ)
۳۶. مَيِّت (مرده)
۳۷. سِر (راز)
۳۸. ذَنْب (گناه)
۳۹. سِرْوَال (شلوار)
۴۰. زَمِيل (همکار، هم کلاسی)
۴۱. أَنْفُس (خود)
۴۲. عُيُوب (عیب)
۴۳. أَكْبَر (بزرگ تر، بزرگ ترین)
۴۴. مَكَاتِب (کتابخانه)
۴۵. أَرَاذِل (فرومایه)
۴۶. أَسْعَار (قیمت)
۴۷. فُسَاتِين (پیراهن زنانه)
۴۸. جمع «الأَفْضَل» برتر می شود «الأَفْضَل» و مفرد «الْفُضْلَاء» می شود «الفاضِل» دانشمند، بافضیلت.

نکته: وزن «أَفْعَال» غالباً برای جمع بستن اسم تفضیل استفاده می شود و وزن «فُعْلَاء» برای جمع بستن اسم فاعل.

مثال: أَعْظِم ← أَعْظَم (اسم تفضیل) / شُعْرَاء ← شَاعِر (اسم فاعل)

۴۹. الف «المَطَاعِم» جمع «المَطْعَم» رستوران است که اسم مکان می باشد و جمع «الطَّعام» غذا می شود «الأَطْعَمَة».
۵۰. الف «الإِخْوَان» جمع «الأَخ» برادر است و «الأَخَوَات» جمع «الأُخْت» خواهر است.
۵۱. ب جمع «العَبْد» بنده می شود «العِبَاد» و «المُعَابِد» جمع «المُعْبَد» پرستشگاه است. «المُعْبَد» اسم مکان است.

۵۲. ب مفرد «البَهَائِم» می شود «البَهِيمَة» چهارپا.
۵۳. الف جمع «الأَصْغَر» کوچک تر می شود «الأَصَاغِر» که اسم تفضیل است.
۵۴. ب مفرد «اللَّحُوم» می شود «اللَّحْم» گوشت.
۵۵. الف جمع «الرَّجُل» مرد می شود «الرُّجَال» و «الأَرْجُل» جمع «الرَّجُل» پا است.
۵۶. ب مفرد «الأموات» می شود «المَيِّت» مرده. دقت کنید که «المَوْت» به معنای «مُردن» مصدر است و مفرد «الأموات» نیست.
۵۷. ب مفرد «المَتَاجِر» می شود «المَتَجَر» مغازه. این کلمه اسم مکان است.
۵۸. عَاب = لَمَزَ (عیب جویی کرد)
۵۹. مُحَاوَلَة = سَعِيَ (تلاش کردن)
۶۰. فَعَلَ = عَمِلَ (عمل کرد، کار کرد)
۶۱. مَسْتَوِر = مَخْفِي (پنهان)
۶۲. أَرَاذِل (فرومایه ترها، فرومایگان) = أَفَاضِل (شایسته ترها، شایستگان)
۶۳. أَقَل (کمتر، کمترین) = أَكْثَر (بیشتر، بیشترین)
۶۴. نِعَم (خوب است) = بَشَس (بد است)
۶۵. تَوَاصَل (ارتباط) = تَقَاطَع (بریدن)
۶۶. كِبَائِر = الذُّنُوب الكَبِيرَة (گناهان بزرگ)
۶۷. عَسَى = رُبَّمَا (چه بسا)
۶۸. خَفِيَ (پنهان) = ظَاهِر (آشکار)
۶۹. إِثْم = ذَنْب (گناه)
۷۰. رَخِيس (ارزان) = غَالِي (گران)
۷۱. سَاءَ (بد شد) = حَسُنَ (خوب شد)
۷۲. سِعَر = ثَمَن (قیمت)
۷۳. الف نَهَى (نهی کرد) = أَمَرَ (دستور داد) / فَعَلَ (انجام داد)
۷۴. الف حَيَّ (زنده) = مَيِّت (مرده) / مَوْت (مُردن) مصدر است.
۷۵. الف مَعْصِيَة = ذَنْب (گناه) / ذَنْب (دَم)
۷۶. الف قِيَمَة = غَالِيَة (ارزشمند، گران) / تَخْفِيز (تخفیف)
۷۷. ب أَعْمَال = أُمُور (کارها) / عُمَال (کارگران) (این کلمه جمع «عَامِل» و اسم فاعل است).
۷۸. الف تَكَبَّرَ = عُجِبَ (خودپسندی) / إِثْم (گناه)
۷۹. ب سُخْرِيَة = اسْتِهْزَأَ (ریشخند کردن) / فُسُوق (آلوده شدن به گناه)
۸۰. الف ضَلَّ (گمراه شد) = اهْتَدَى (هدایت شد) / أَهْدَى (هدیه داد)

نکته: به تفاوت فعل های هم ریشه زیر دقت کنید:

«هَدَى: هدایت کرد» / «أَهْدَى: هدیه داد» / «اهْتَدَى: هدایت شد»

۸۱. ب صِدَاقَة (دوستی) = عِدَاوَة (دشمنی) / عَدُوّ (دشمن) «عَدُوّ» مصدر نیست و نمی تواند متضاد «صِدَاقَة» باشد.
۸۲. الْعَمَل = الْأَمْر (کار) / الْجَمِيل (زیبا) = الْقَبِيح (زشت) **ترجمه:** بر تو واجب است که کار زیبا انجام دهی و از عمل زشت دوری کنی.
۸۳. الْكَلَام (سخن) = الشُّكُوت (سکوت) / يَضُرُّ (زیان می زند) = يَنْفَعُ (سود می رساند) **ترجمه:** سخن، بسیارش زیان می رساند؛ پس بر سکوت پایبند باش تا به تو سود برساند.
۸۴. الذُّنُوب الكَبِيرَة = الْكِبَائِر (گناهان بزرگ) / الصُّغَار (کودکان) = الْكِبَار (بزرگان) **ترجمه:** کودکان از بزرگان یاد می گیرند که چگونه از گناهان بزرگ دوری کنند.



۱۱۰. خودپسندی - غرور - ترازو - مسخره کردن - المیزان
۱۱۱. پیراهن زنانه - پیراهن - شلوار - فروشنده - البائع
۱۱۲. مغازه - بازار - مغازه - ایستگاه - الموقوف
۱۱۳. زنان - فرزندان - گناهان بزرگ - مردان - الکبائر
۱۱۴. بهتر - داناتر - برتر (بهتر) - بهتر - أعلم
۱۱۵. آلف - این کلمه، اسم تفضیل نیست، اما سایر کلمات اسم تفضیل اند.
۱۱۶. لخم - این کلمه، مفرد است، اما سایر کلمات جمع مکسرند.
۱۱۷. معرفة - این کلمه، اسم مکان نیست، اما سایر کلمات اسم مکان اند.
۱۱۸. الفساتین - این کلمه، جمع مکسر است، اما سایر کلمات جمع سالم اند.
۱۱۹. أكثر - این کلمه اسم تفضیل است، اما سایر کلمات، اسامی رنگ هستند.
۱۲۰. أصفر - این کلمه اسم رنگ است، اما سایر کلمات اسم تفضیل هستند.
۱۲۱. المحاولة - این کلمه مصدر است، اما سایر کلمات اسم فاعل هستند.
۱۲۲. أحق - این کلمه، یک نوع عیب است، اما سایر کلمات اسم تفضیل اند.
۱۲۳. أموات - این کلمه، جمع مکسر است، اما سایر کلمات جمع سالم اند.
- نکته:** چهار کلمه «أموات - أصوات - أوقات - آیات» با وجود اینکه «ات» دارند، اما جمع مؤنث سالم نیستند و جمع مکسرند.
۱۲۴. یلمز - این فعل ثلاثی مجزء است، اما سایر فعل‌ها ثلاثی مزید هستند.
۱۲۵. أصفر - این کلمه اسم رنگ است، اما سایر کلمات اسم تفضیل هستند.
۱۲۶. غیاب - این کلمه، مصدر و مفرد است، اما سایر کلمات جمع مکسرند.
۱۲۷. رحمن - این کلمه، اسم مبالغه نیست، اما سایر کلمات اسم مبالغه اند.
۱۲۸. از اعضای بدن انسان و حیوانات است. (اللحم: گوشت)
۱۲۹. گناهان بزرگ (الكبائر: گناهان بزرگ)
۱۳۰. تلاشی زشت برای کشف رازهای دیگران (التجسس: جاسوسی کردن)
۱۳۱. کسی که توبه را از بندگان قبول می‌کند. (التوب: بسیار توبه‌پذیر)
۱۳۲. از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط بین مردم (الغیبة: غیبت کردن)
۱۳۳. آنچه را که دیگران در نبودشان به آن راضی نمی‌شوند، بیان کرد. (اغتاب: غیبت کرد)
۱۳۴. چیزی یا هدیه‌ای به کسی داد. (أهدى: هدیه کرد)
۱۳۵. آن را حرام کرد. (حَرَّمَ: حرام کرد)
۱۳۶. پشیمانی از گناه و عزم برای ترکش (التوبة: توبه)
۱۳۷. ترک دستور خدا و انجام گناهان (الفسوق: آلوده شده به گناه)
۱۳۸. غیبت کردن از گناهان بزرگ و از اخلاق‌های بد می‌باشد. ✓
۱۳۹. بهترین مردم سودمندترین آن‌ها برای خودش است. ✗
۱۴۰. گناهان بزرگ کسانی‌اند که از ما بزرگ‌تر هستند. ✗
۱۴۱. مغازه مکانی برای تجارت یا فروش اشیا است. ✓
۱۴۲. برترین کارها کسب [روزی] حلال است. ✓
۱۴۳. مرده کسی است که روحش از جسمش خارج شده و نفس نمی‌کشد. ✓
۱۴۴. خودپسندی یک صفت است برای کسی که دیگران را دوست دارد. ✗
۱۴۵. جاسوسی از گناهان بزرگ در دین اسلام و از بدی‌ها است. ✓
۱۴۶. آلوده شدن به گناه همان خارج شدن از اطاعت خدا است. ✓
۱۴۷. و به آن‌ها لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، ندهید.
۱۴۸. بزرگ‌ترین عیب آن است که آنچه را که مانند آن در خودت هست؛ عیب بدانی.

۸۵. ثَمَن = بَیْعَر (ارزش، قیمت) / الْمُشْتَرِي (خریدار) = الْبَائِع (فروشنده) / سَأَلَ (پرسید) = أَجَابَ (پاسخ داد) / رَخِيصَة (ارزان) = غَالِيَة (گران)
- ترجمه:** مشتری درباره قیمت شلوارها پرسید؛ پس فروشنده به او گفت که قیمت بعضی از آن‌ها ارزان و بعضی گران است.
۸۶. الْمُحَاوَلَة = السَّعْي (سعی، تلاش) / الْعُجْب (خودپسندی) = التَّوَّاضُع (فروتنی) **ترجمه:** خودپسندی، دیواری دور قلب می‌سازد، اما فروتنی درهای فرصت‌ها را برای تلاش و سعی باز می‌کند.
۸۷. الف «بَعْض... بَعْض» یعنی «یکدیگر».
۸۸. الف «أَنْ تَعِيبَ» یعنی «عیب بگیری».
۸۹. ب «إِرْحَمْ» فعل امر و به معنای «رحم کن» است و ضمیر «نا» مفعول آن می‌باشد؛ «إِرْحَمْ + نا؛ به ما رحم کن».
۹۰. الف «كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ» یعنی «بسیاری از گمان‌ها». (حرف «مِنْ» در گزینه «ب» ترجمه نشده است)
۹۱. ب «تَعَلَّمْ» یاد گرفتن / تَعْلِيم: یاد دادن
۹۲. الف «سُئِلَ» پرسیده شد (مجهول است) / سَأَلَ: پرسید
۹۳. ب «ن» در «أَعْطِنِي» نون وقایه و ضمیر «ي» مفعول است، پس «به من عطا کن» صحیح می‌باشد.

یادآوری: هرگاه ضمیر «ي» به عنوان مفعول به فعل متصل شود، حتماً قبل از آن «ن» وقایه می‌آید.

مثال: يَعْرِفُ + «ن» + «ي» = يَعْرِفُنِي: مرا می‌شناسد.

۹۴. الف «نا» در «تَنْصَحْنَا» مفعول است، پس «ما را نصیحت می‌کند» صحیح است.
۹۵. الف الآخر: دیگر (اسم تفضیل) / الآخر: پایان (اسم فاعل)
۹۶. ب جادل: بحث کن (فعل امر) / جادل: بحث کرد (فعل ماضی)
۹۷. ب «أهم أسباب: مهم‌ترین دلایل» (اگر بعد از اسم تفضیل، اسم بیاید، با «ترین» ترجمه می‌شود).
۹۸. ب اسم اشاره + اسم «ال» دار: این، آن (جمله ادامه دارد). **مثال:** هذه المدارس: این مدرسه‌ها / اسم اشاره + اسم بی «ال»: مطابق با جمله (جمله تمام می‌شود). **مثال:** هذه مدارس: این‌ها مدرسه هستند. بنابراین ترجمه «هذه الفساتین» می‌شود «این پیراهن‌ها».
۹۹. ب خمسين: پنجاه / خمسة: پنج
۱۰۰. الف كُل + اسم مفرد بی «ال»: هر - كُل معيوب: هر معیوبی / كُل + اسم جمع: همه - كُل أشياء: همه چیزها
۱۰۱. ب «حَسَنْتَ» یک فعل ماضی است به معنی «نیکو گردانیدی».
۱۰۲. الف «أَفْضَل» اسم تفضیل است و با «تر، ترین» ترجمه می‌شود.
۱۰۳. الف «أَنْ يَكُونُوا» که باشند
۱۰۴. الف «الأولى» عدد ترتیبی است، بنابراین «آیه اول» صحیح است.
۱۰۵. ب «بِئْسَ» یعنی «بد است».
۱۰۶. صبح - مرده - شب - بعد از ظهر - المیت
۱۰۷. رسوا کردن - قیمت - گران - تخفیف - الفضح
۱۰۸. گناه - اشتباه - چهارپایان - گناه - التبهائم
۱۰۹. مسخره کرد - عیب جویی کرد - عیب گرفت - خورد - أَكَل



بخش ویژه

یادآوری



حتماً می‌دانید که برای کسب یک نمره عالی در امتحان عربی یازدهم باید روی مطالب و قواعد کتاب عربی دهم نیز مسلط باشید، چرا که دست کم بین ۴ تا ۵ نمره از بارم امتحان شما مربوط به قواعد عربی دهم است. یعنی در امتحان از شما می‌خواهند که مبتدا و خبر را پیدا کنید یا در یک جمله به دنبال اسم فاعل یا اسم مفعول بگردید که همگی این موارد از کتاب دهم است. بنابراین ما نیز برایتان یک قسمت خیلی مهم آماده کرده‌ایم به نام بخش ویژه که بتوانید نمره این قسمت را تمام و کمال بگیرید. در آخر دقت کنید که نیازی به یادگیری و حفظ لغات کتاب دهم ندارید و دانستن قواعد و فنون ترجمه آن برایتان کافی است.

قواعد پایه دهم

مشاوره: برای اینکه بتوانید در امتحان نمره کاملی بگیرید، علاوه بر دانستن مطالب کتاب امسالتان یعنی یازدهم، باید مواردی را از کتاب عربی دهم مرور کنید که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

درس اول مرور قواعد سال دهم

اسم از نظر تعداد

- مفرد: مربوط به یک نفر یا یک چیز است و علامتی ندارد.
 - مثال: فلاح (یک کشاورز) / شجرة (یک درخت)
 - مثنی: مربوط به دو نفر یا دو چیز است و علامت آن «ان» و «ین» است.
 - مثال: مسافران، مسافرين / مسلمتان، مسلمتين
 - جمع: مربوط به بیش از دو نفر یا دو چیز است که به دو دسته تقسیم می‌شود.
- سالم
- مذکر: جمعی که با اضافه شدن «ون» و «ین» به مفرد اسم ساخته می‌شود. مثال: معلمون، معلمین
- مؤنث: جمعی که با اضافه شدن «ات» به مفرد اسم (بدون «ة») ساخته می‌شود. مثال: تلميذات، ناجحات
- مکسر: قاعده خاصی ندارد و باید حفظ شود.
- مثال: شجر: اشجار / مدرسه: مدارس / کتاب: کُتب

نکته نهایی: بعضی از جمع‌های مکسر شبیه جمع‌های سالم‌اند و برای تشخیص آن‌ها باید علامت جمع را برداریم، اگر مفرد کلمه ماند، مثنی یا جمع سالم است.

■ مثال: أصوات: صوت ← جمع مکسر است. • مسلمین: مسلم ← مثنی مذکر است • شياطين: شيطان ← جمع مکسر است. • فائزات: فائزة ← جمع مؤنث سالم است

اسم اشاره

از اسم اشاره برای اشاره به یک یا چند شخص یا شیء استفاده می‌کنیم. اسم اشاره را متناسب با اسم پس از خود به شکل زیر استفاده می‌کنیم:

مفرد	مثنی	جمع
هذا (مذکر)	هذان هذین (مذکر)	هؤلاء (مشترک بین مذکر و مؤنث)
هذه (مؤنث)	هاتان، هاتین (مؤنث)	
ذلک (مذکر)	-	أولئك (مشترک بین مذکر و مؤنث)
تلك (مؤنث)		

دقت کنید که اسم اشاره جمع اگر با یک اسم «ال» دار بیاید، مفرد ترجمه می‌شود و ترجمه جمله در این حالت ناقص است و اگر با یک اسم بی‌ال بیاید، در صیغه خودش ترجمه می‌شود و ترجمه جمله در این حالت کامل است. (در واقع آن اسم بعد از اسم اشاره، نقش خبر به خود می‌گیرد).

■ مثال: هؤلاء المعلمون: این معلمان / هؤلاء معلمون: اینان معلم (معلمان) هستند. مثال: هذه مدرسة كبيرة: این، مدرسه‌ای بزرگ است.

- ذلک المعلم: آن معلم
- هؤلاء علماء: اینان، دانشمند هستند.
- أولئك الفلاحون: آن کشاورزان

شناخت فعل و انواع آن

می‌دانیم که در حالت کلی فعل به سه دسته ماضی، مضارع و امر تقسیم می‌شود و سایر زمان‌ها همگی زیرمجموعه این سه مورد هستند؛ پس ابتدا به سراغ خود آن‌ها می‌رویم.

اسم از نظر جنس

مؤنث: بیانگر جنس ماده یا اشیای مؤنث است و علامت آن معمولاً «ة» است.

■ مثال: فاطمة، الحديقة

مذکر: بیانگر جنس نر یا اشیای مذکر است. مثال: محمد، الكتاب، حميد

نکته نهایی:

به طور کلی در عربی اسم‌های مؤنث معمولاً یکی از این سه علامت را دارند. ۱ «ة» مثال: مكتبة / عالمة / بقرة / فارة ۲ «ا» یا «ی» زائده مثال: دنیا / کبری / صغری ۳ «اء» زائده مثال: صحراء / زهراء / حمراء.

اولاً زائده یعنی جزء ریشه (سه حرف اصلی) نباشد، ثانیاً کلمات بر وزن «فعلی» و «فَعْلَاء» مؤنث هستند. مثال: صغری، خُضراء

نکته نهایی:

یک گروه دیگر از اسم‌های مؤنث نیز در عربی وجود دارد که به آن‌ها مؤنث معنوی گفته می‌شود. این اسم‌ها از نظر ظاهری مذکر هستند اما کاربردشان مؤنث است. مهم‌ترین آن‌ها در حیطه کتاب درسی عبارت‌اند از: نار (آتش) / دار (خانه) / روح / ریح (باد) / سماء (آسمان) / شمس (خورشید) / أرض (زمین) / حرب (جنگ) / بئر (چاه) / كأس (جام) / نفّس (وجود)



جنس	تعداد	شماره صیغه	ضمیر منفصل (جدا)	معنی ضمیر	ضمیر متصل (چسبان)	فعل ماضی	فعل مضارع	فعل امر	فعل نهی
غایب	مفرد	۱	هُوَ	آن مرد	هُ	فَعَلَ	يَفْعَلُ	-	-
	مثنی	۲	هُمَا	آن دو مرد	هُمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	-	-
	جمع	۳	هُمْ	آن مردان	هُمْ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	-	-
	مفرد	۴	هِيَ	آن زن	هَا	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ	-	-
	مثنی	۵	هُمَا	آن دو زن	هُمَا	فَعَلَتَا	تَفْعَلَانِ	-	-
	جمع	۶	هُنَّ	آن زنان	هُنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	-	-
مخاطب	مفرد	۷	أَنْتَ	تو یک مرد	كَ	فَعَلْتَ	تَفْعَلُ	إِفْعَلْ	لَا تَفْعَلْ
	مثنی	۸	أَنْتُمَا	شما دو مرد	كُما	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا	لَا تَفْعَلَا
	جمع	۹	أَنْتُمْ	شما مردان	كُم	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	إِفْعَلُوا	لَا تَفْعَلُوا
	مفرد	۱۰	أَنْتِ	تو یک زن	كِ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	إِفْعَلِي	لَا تَفْعَلِي
	مثنی	۱۱	أَنْتُمَا	شما دو زن	كُما	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا	لَا تَفْعَلَا
	جمع	۱۲	أَنْتُنَّ	شما زنان	كُنَّ	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	إِفْعَلْنَ	لَا تَفْعَلْنَ
متكلم	وحده	۱۳	أَنَا	من	ي	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ	-	-
	مذكر و مؤنث	۱۴	نَحْنُ	ما	نا	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ	-	-

یادآوری: روش ساخت فعل امر مخاطب در عربی از مضارع مخاطب (دوم شخص) به شکل زیر است:

- ۱ «ت» را از ابتدای فعل مضارع حذف می‌کنیم.
- ۲ چون فعل بدون «ت» خوانده نمی‌شود، ابتدای فعل «همزه» می‌آوریم.
- ۳ اگر دومین حرف ریشه (عین الفعل) «ت» یا «ی» بود، همزه «ی» و اگر «ئ» بود، همزه «ئ» می‌شود.

۴ فعل را مجزوم می‌کنیم یعنی:

انتهای صیغه‌های «ت» دار تبدیل به «ئ» می‌شود.
انتهای صیغه‌های «ن» دار حذف می‌شود. (به جز جمع مؤنث)

مثال: تَكْتُبُ ← اُكْتُبْ بنویس • تَذْهَبَانِ ← اِذْهَبَا بروید

• تَجْلِسْنَ ← اِجْلِسْنَ بنشینید

• نهی مخاطب: لا + مضارع مجزوم (تغییر ظاهری یافته) **مثال:** لَا تَذْهَبْ نرو

نکته نهایی: دقت کنید که در ترجمه فعل امر مخاطب از «باید» و در نهی مخاطب از «نباید» استفاده نمی‌کنیم.

مثال: لَا تَجْلِسْ بنشین ☒ نباید بنشینی ☒

• اُكْتُبُوا بنویسید ☒ باید بنویسید ☒

• مستقبل یا آینده: سَ / سوف + فعل مضارع

مثال: سَأَذْهَبُ / سوف اذهب: خواهیم رفت

تقریباً بین ۳ تا ۳/۵ نمره از سؤالات امتحان شما مربوط به شناخت و کاربرد انواع فعل‌ها می‌باشد که یادگیری آن‌ها بسیار ضروری است.

تذکره: همه فعل‌های جدول بالا مربوط به ثلاثی مجردند. همان‌طور که می‌دانید فعل‌های ثلاثی مزید (باب‌ها) که در ادامه با آن‌ها آشنا می‌شویم نیز با همین روش صرف می‌شوند. پس همه نکاتی که در ادامه می‌گوییم، مربوط به هر دو گروه ثلاثی مجرد و مزید می‌باشد.

ترجمه فعل‌ها

ترجمه فعل‌ها معمولاً از سؤالات دشوار محسوب می‌شود که با کمک جدول بالا و دانستن نحوه ترجمه زمان افعال که در ادامه یاد می‌گیریم، می‌توانید به سؤالات مربوط به آن‌ها پاسخ بدهید.

- ماضی ساده: فعل ماضی ساده در زبان عربی **مثال:** ذَهَبَ: رفت / قَرَأَ: خواند
- ماضی ساده منفی: ما + فعل ماضی **مثال:** مَا ذَهَبَ: نرفت
- ماضی نقلی: قد + ماضی **مثال:** قَدْ ذَهَبَ: رفته است

نکته نهایی: گاهی می‌توان ماضی ساده را به صورت ماضی نقلی ترجمه کرد.

- ماضی استمراری: کان + فعل مضارع **مثال:** كَانَ يَذْهَبُ: می‌رفت
- مضارع ساده یا اخباری **مثال:** يَذْهَبُ: می‌رود
- مضارع منفی: لا + فعل مضارع **مثال:** لَا يَذْهَبُ: نمی‌رود
- امر مخاطب **مثال:** اِذْهَبْ: برو



نکته نهایی: گاهی ممکن است چند مضاف‌الیه پشت سر هم داشته باشیم.

مثال: أَحْسَنُ كِتَابٍ مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ
مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه

نکته نهایی: هرگاه یک اسم مثنی یا جمع مذکر، مضاف واقع شود، حرف «ن» از انتهای آن حذف می‌شود.

مثال: مَعْلَمُونَ الْمَدْرَسَةِ ✗ مَعْلَمُو الْمَدْرَسَةِ ✓

والدیني ✗ والدَيَّ ✓ (پدر و مادرم)

(دقت کنید که بعد از حذف «ن» در «وَالدَّيْنِ»، دو حرف «ی» در هم ادغام می‌شوند و حرف «ی» تشدید می‌گیرد.)

نکته نهایی: برخی از اسم‌ها در عربی دائم‌الاضافه‌اند؛ یعنی اسم بعد از آن‌ها حتماً مضاف‌الیه است. پرتکرارترین دائم‌الاضافه‌ها در عربی عبارت‌اند از: قبل، بعد، کل، بعض، جمیع، عند، ذات، جنب و...

مثال: أَحَبُّ كُلِّ كِتَابٍ
مضاف‌الیه

ترکیب‌های وصفی - اضافی

گاهی یک اسم در عربی هم صفت دارد و هم مضاف‌الیه که در این صورت ابتدا مضاف‌الیه می‌آید و سپس صفت اما در ترجمه ابتدا صفت و سپس مضاف‌الیه را ترجمه می‌کنیم. ترکیب‌های وصفی - اضافی با یکی از فرمول‌های زیر در جمله دیده می‌شوند.

۱ اسم بی‌دال + ضمیر متصل + اسم دال دار
صفت مضاف‌الیه

مثال: كِتَابِي الْمَفِيدُ: کتاب مفید من
مضاف‌الیه صفت

۲ اسم بی‌دال + اسم دال دار + اسم دال دار
صفت مضاف‌الیه

مثال: شَجَرَةُ الْبَيْتِ الْكَبِيرَةِ: درخت بزرگ خانه
مضاف‌الیه صفت

حواستان بود که در مثال بالا «الکبيرة» چون مؤنث است، پس نمی‌تواند صفت «البیت» باشد و ترجمه آن به صورت «درخت خانه بزرگ» اشتباه است.

کلمات پرسشی و پاسخ‌های مناسب آن‌ها

هل، آ (آیا) پاسخ: نعم (بله)، لا (خیر)

مثال: هَلْ تَقْرَأُ كِتَابَكَ؟ (آیا کتابت را می‌خوانی؟) نعم، أَقْرَأُ كِتَابِي. (بله کتابم را می‌خوانم.)

کَم (چقدر، چند) پاسخ: عدد

مثال: كَمْ قَلَمًا هُنَا؟ (چند قلم اینجا است؟) خَمْسَةُ أَقْلَامٍ (پنج قلم)

كَيْفَ (چطور) پاسخ: در جواب، حالت بیان می‌شود.

مثال: كَيْفَ حَالُكَ؟ (حالت چطور است؟) أَنَا بِخَيْرٍ. (من خوبم.)

مَنْ (چه کسی است، کیست) پاسخ: اسم شخص

مثال: مَنْ هُوَ؟ (او کیست؟) هُوَ مُعَلِّمِي. (او معلمم است.)

در کتاب عربی یازدهم با برخی دیگر از انواع مختلف فعل آشنا خواهیم شد.

ترکیب وصفی

هرگاه دو اسم در کنار هم بیایند به شکلی که اسم دوم، اسم اول را توصیف کند و کاملاً شبیه به اسم اول باشد، به آن ترکیب، ترکیب وصفی گفته می‌شود که اسم اول در آن موصوف و اسم دوم صفت است. همان‌طور که می‌دانید در فارسی برای پیدا کردن موصوف و صفت از روش زیر کمک می‌گیریم:

اسم + اسم + است

درخت زیبا ← درخت زیبا است.

مثال: الْمَدْرَسَةُ الْكَبِيرَةُ: مدرسه بزرگ
موصوف صفت

نکته نهایی: حواستان باشد که در ترکیب‌های وصفی، صفت باید در ۴ ویژگی از موصوف خود تبعیت کند.

۱ جنس (مؤنث و مذکر بودن) ۲ تعداد (مفرد، مثنی، جمع) ۳ «ال» یا تنوین داشتن (معرفه و نکره) ۴ علامت (ـِ)

چند مثال دیگر ببینید تا بهتر متوجه موضوع شوید.

مثال: الْعُلَمَاءُ الْمُجْدُونَ ← دانشمندان تلاشگر
موصوف صفت

(هر دو «ال» دارند، هر دو جمع‌اند، هر دو مذکرند، هر دو از نظر علامت (اعراب) یکسان‌اند.)

• الطَّالِبُ النَّاجِحُ ← دانش‌آموز موفق
موصوف صفت

نکته نهایی: صفت برای یک اسم جمع غیرانسان به صورت مفرد مؤنث می‌آید.

مثال: الْأَيَّامُ الْجَمِيلَةُ ← روزهای زیبا
موصوف صفت

• كُتُبٌ جَمِيلَةٌ ← کتاب‌هایی زیبا
موصوف صفت

ترکیب اضافی

اگر اسمی به اسم قبل از خود اضافه شود و آن را توصیف نکند، به آن اسم مضاف‌الیه می‌گویند که همواره علامت آن (ـِ) است. مضاف‌الیه بر دو نوع است:

۱ اسم + اسم

مثال: مَدِيرُ الْمَدْرَسَةِ • شَجَرَةُ الْحَدِيقَةِ
مضاف‌الیه مضاف‌الیه

۲ اسم + ضمیر متصل (چسبان)

مثال: كِتَابِي • بَيْتِكَ
مضاف‌الیه مضاف‌الیه

نکته نهایی: مضاف هیچ‌گاه «ال» و «تنوین» نمی‌گیرد، پس ترکیباتی مانند «السَّمَاءُ الدُّنْيَا» و «بَيْتٌ جَدِّي»، هیچ‌گاه نمی‌توانند ترکیب اضافی باشند. همچنین دقت کنید که ضمائر و اسم‌های اشاره نمی‌توانند مضاف باشند و بعدشان مضاف‌الیه نمی‌آید.

مثال: هَؤُلَاءِ النَّاسِ • ذَلِكَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ.

در دو عبارت بالا «النَّاسِ» و «الحق» مضاف‌الیه نیستند.

۱. دقت کنید که از نظر اعرابی «هَؤُلَاءِ» (جمع مذکر) یکسان و برابر است که دانستن جزئیات این موضوع از اهداف آموزشی کتاب شما نیست.

عربی ۲

کاربرگی امتحانی

از خودت امتحان بگیر!

مجموعه کتاب‌های
بیست‌پیک



پرفراژدار
به راحتی برگه‌ها را
جدا کن و از خودت
امتحان بگیر!

۱۳ امتحان شامل:

۷ امتحان درس به درس در سطح سوالات نهایی

۳ امتحان شبیه‌ساز نهایی نوبت اول و دوم

۳ امتحان نهایی اخیر

• پاسخ‌نامه تشریحی به همراه ریزبارم و نکات آموزشی و مشاوره‌ای



مهرماه



هومان

قیمت بسته بیست‌پیک:
۲۹۰۰۰۰ تومان



باسمه تعالی

امتحان ۱: درس اول		سؤالات شبیه ساز نهایی		مهروماه
رشته: علوم تجربی - ریاضی فیزیک	پایه: یازدهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	ساعت شروع: ۱۰ صبح	
سؤالات درس: عربی (۲)	نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان:	تعداد صفحه: ۳	

ردیف	سؤالات	صفحه ۲ از ۳	نمره
------	--------	-------------	------

۷	کَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (الف) عِنْدَنَا الْقَمِيصُ الرَّجَالِي بِسَعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ: پیراهن مردانه به قیمت هزار تومان (ب) «أُحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مِتًّا فَكَّرَهُمْوهُ»: آیا کسی از شما که برادرش را در حالی که مرده است بخورد، پس از آن (ج) يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ: ای گناهان.	۱/۵												
۸	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ: (الف) لَا تَتَبَادَلُوا أَلِسْتُمْكُمْ. (ب) افْتَرَبَتِ السَّيَّارَةُ إِلَيْنَا. (ج) اسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِكُمْ. (د) قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْآخِرِينَ.	۱												
۹	عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: قَالَ بَائِعُ الْكُتُبِ: هَذَا الْكِتَابُ مَوْجُودٌ فِي أَيِّ مَكْتَبَةٍ - «اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ»	۰/۷۵												
۱۰	عَيِّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ وَ اسْمَ الْمَكَانِ ثُمَّ تَرْجِمْهُمَا: (الف) قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا. اسم تفضیل: ترجمه: (ب) فِي مَنَاجِرِ زَمِيلِي سَرَاوِيلُ رَخِيصَةٍ. اسم مکان: ترجمه:	۱												
۱۱	عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: (الف) زَيْنَبُ مِنْ زَمِيلَتِهَا. (أَحْسَنَ - حُسْنَى) (ب) أُوْرُوْبَا مِنْ آسِيَا. (أكبر - أصغر)	۰/۱۵												
۱۲	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ: <table><tr><td>الماضي</td><td>المضارع والمستقبل</td><td>الأمر والتَّهْيِي</td><td>المصدر</td></tr><tr><td>انكسر: شكسته شد</td><td>سَيَنْكَسِرُ:</td><td>انكسر:</td><td>انكسار:</td></tr><tr><td>سافرت:</td><td>أَسَافِرُ:</td><td>لا تُسَافِرُوا:</td><td>مُسَافَرة: سفر کردن</td></tr></table>	الماضي	المضارع والمستقبل	الأمر والتَّهْيِي	المصدر	انكسر: شكسته شد	سَيَنْكَسِرُ:	انكسر:	انكسار:	سافرت:	أَسَافِرُ:	لا تُسَافِرُوا:	مُسَافَرة: سفر کردن	۱/۵
الماضي	المضارع والمستقبل	الأمر والتَّهْيِي	المصدر											
انكسر: شكسته شد	سَيَنْكَسِرُ:	انكسر:	انكسار:											
سافرت:	أَسَافِرُ:	لا تُسَافِرُوا:	مُسَافَرة: سفر کردن											
۱۳	عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ: (الف) بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ هَذِهِ السُّورَةُ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ. (سَمَّى - سَمَوْا - يُسَمَّى) (ب) النِّسَاءُ مِنْ نِسَاءٍ. (لَا تَسْخَرْنَ - لَا تَسْخَرُوا - لَا يَسْخَرْنَ) (ج) صَدِيقِي الْفُسْتَانِ مِنَ السُّوقِ. (اشترى - اشترى - اشترت)	۰/۷۵												
«ادامه سؤالات در صفحه سوم»														

امتحان ۱: درس اول		سوالات شبیه ساز نهایی		مهروماه
رشته: علوم تجربی - ریاضی فیزیک	پایه: یازدهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	ساعت شروع: ۱۰ صبح	
سوالات درس: عربی (۲)	نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان:	تعداد صفحه: ۳	

ردیف	سوالات	صفحه ۱ از ۳	نمره
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ: (الف) تَسَمِيَتُهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ. (ج) هُوَ مُحَاوَلَةٌ لِفَضْحِهِمْ. (ب) بِشَسِ الْعَمَلِ الْفُسُوقِ. (د) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.		۱
۲	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ: (عَسَى - عَابَ - خَفِيَ - تَنَابَزَ - لَمَزَ - ظَاهِر) (الف) = (ب) ≠		۰/۵
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ: (الف) ☐ إغتاب ☐ عاب ☐ تاب ☐ تجسس (ب) ☐ منازل ☐ مصانع ☐ مطاعم ☐ ملايس		۰/۵
۴	اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ: (الف) ذهبْتُ إلى مَطْعَمِ المدينة. (الجمع) (ب) وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ. (المفرد)		۰/۵
۵	تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ» (۰/۵) (ب) «بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (۰/۵) (ج) هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الْغِيْبَةَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ؟ (۰/۵) (د) لَا تَعْيَبُوا الْآخَرِينَ وَ لَا تُلَقِّبُوهُمْ بِأَلْقَابٍ يَكْرَهُونَهَا. (۰/۵) (هـ) فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ أَنْ لَا نَذْكُرَ عُيُوبَ الْآخَرِينَ. (۰/۵) (و) اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خُلُقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (۰/۵) (ز) هذه السُّورَةُ الَّتِي سُمِّيَتْ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ جَاءَتْ فِيهَا نَصَائِحُ. (۰/۷۵) (ح) الْأَسْعَارُ تَخْتَلِفُ حَسَبَ التَّوَعَّيَاتِ لَكِنَّ الْمُشْتَرِيَّ يُرِيدُ تَخْفِيفَ السَّعْرِ. (۰/۷۵)		۴/۵
۶	إِنْتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ: (الف) خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. (۱) ☐ بهترین برادران کسی است که شما را به عیب هایتان هدایت کند. (۲) ☐ بهترین برادران کسی است که عیب های شما را به شما هدیه کند. (ب) مَنْ إِغْتَابَ الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَذِرَ إِلَيْهِمْ. (۱) ☐ هر کس غیبت مؤمنان را بکند، پس باید از آن ها معذرت خواهی بکند. (۲) ☐ کسی که غیبت مؤمنان را می کند، پس بر او واجب است که معذرت خواهی بنماید.		۰/۵
ادامه سوالات در صفحه دوم			

امتحان ۱: درس اول		سؤالات شبیه ساز نهایی		مهروماه
رشته: علوم تجربی - ریاضی فیزیک	پایه: یازدهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	ساعت شروع: ۱۰ صبح	
سؤالات درس: عربی (۲)	نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان:	تعداد صفحه: ۳	

ردیف	سؤالات	صفحه ۳ از ۳	نمره
۱۴	اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ بِالْعَدَدِ: (الف) ثَلَاثَةٌ وَ خَمْسُونَ زَائِدُ سَبْعَةٍ عَشْرٍ يُسَاوِي سَبْعِينَ: (ب) سبعة عشر في أربعة يساوي ثمانين و ستين:	۰/۱۵	
۱۵	عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ: عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل. (الخبر - المجرور بالحرف الجار)	۰/۱۵	
۱۶	اُكْتُبِ مَحَلَّ الْإِعْرَابِيِّ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ: (الف) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. (ب) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ.	۱/۱۵	
۱۷	صَّعَّ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (الغيبة - التوعية - الخفي - التجسس - تناثر بالألقاب - الميزان) (الف) العمل الذي ليس ظاهراً. (.....) (ب) سعي لمعرفة أسرار الآخرين. (.....) (ج) ذكر ما لا يرضى به الآخرون في غيابهم. (.....) (د) تسمية الآخرين بالأسماء القبيحة. (.....)	۱	
۱۸	عَيِّنِ الصَّحِيحَ أَوْ الْخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ: (x ✓) (الف) سوء الظن، وهو محاولة قبيحة لكشف أسرار الناس. (.....) (ب) الله ينهى الناس عن الاستهزاء. (.....) (ج) الشخص الذي لا يغلب شهوته عقله فهو شر من البهائم. (.....) (د) عندما يسيء خلقك تعذب نفسك. (.....)	۱	
۱۹	إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: لَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ». وَ هَذَا الْحَدِيثُ الشَّرِيفُ يَدْعُونَا إِلَى النَّظَرِ فِي عيوبِ أَنْفُسِنَا قَبْلَ انتقادِ عيوبِ الْآخَرِينَ. فَكُلُّ إِنْسَانٍ لَدَيْهِ عيوبٌ وَأَخْطَاءٌ، وَ قَبْلَ تَقْدِيمِ التَّصَانِحِ لِلْآخَرِينَ، عَلَيْهِ أَنْ يَسْعَى إِلَى تَحْسِينِ نَفْسِهِ. (الف) ما فائدة حديث الإمام عليّ لنا؟ (ب) هل لكل إنسان خطايا؟ (ج) ماذا يجب على الإنسان أن يفعل قبل أن ينصح الآخرين؟	۰/۲۵	
۲۰	عَيِّنِ الصَّحِيحَ: كَمْ سِعْرُ هَذَا السَّرْوَالِ؟ (۱) خمسة و سبعين ألف تومان. (۲) ذلك متجزئ زميلي.	۰/۲۵	
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید	



پاسخ نامه تشریحی

- ۹ اسم فاعل: بائع (فروشنده) (۰/۲۵) / اسم مفعول: موجود (۰/۲۵) / اسم مبالغه: تَوَّاب (بسیار توبه پذیر) (۰/۲۵)
- ۱۰ الف) «أَحْسَن» (۰/۲۵) اسم تفضیل است که بعد از آن «مِنْ» آمده و به صورت «بهتر» (۰/۲۵) ترجمه می شود. / ب) «مَتَّاجِر» (۰/۲۵) جمع «مَتَّجِر» به معنای «مغازه» (۰/۲۵) است.
- ۱۱ الف) «أَحْسَن» (۰/۲۵) برای مقایسه بین دو اسم (حتی مؤنث) در عربی از وزن «أَفْعَل» استفاده می کنیم.

نکته: «فُعْلَى مِنْ» همواره در مقایسه غلط است.

- ب) با توجه به معنا، «أَصْفَر» (۰/۲۵) صحیح است. (اروپا کوچک تر از آسیا است.)
- ۱۲ سَبَّكَسْر: شکسته خواهد شد (۰/۲۵) / اِنْكَسَر: شکسته شو (۰/۲۵) / اِنْكَسَار: شکسته شدن (۰/۲۵)
- سَافَرْتُ: سفر کردم (۰/۲۵) / أَسَافِرُ: سفر می کنم (۰/۲۵) / لَأَسَافِرُوا: سفر نکنید (۰/۲۵)
- ۱۳ الف) سَمَّوْا (۰/۲۵) (فعل وسط جمله باید با اسم قبل از خود از نظر جنس و عدد مطابقت داشته باشد.) / ب) لَا يَسْخَرَنَّ (۰/۲۵) (فعل وسط جمله باید با اسم قبل از خود از نظر جنس و عدد مطابقت کند.) / ج) اِشْتَرَى (۰/۲۵) (فعل اول جمله همواره مفرد است و فقط در جنس با اسم بعد از خود مطابقت می کند.)
- ۱۴ الف) $70 = 53 + 17$ (۰/۲۵) / ب) $68 = 17 \times 4$ (۰/۲۵)
- ۱۵ خبر: «خَيْر» (۰/۲۵) - مجرور به حرف جر: «صَدَاقَةً» (۰/۲۵)
- ۱۶ الف) أَحَبَّ: مبتدا (۰/۲۵) - عِيَاد: مضاف الیه (۰/۲۵) - اللَّهُ: مجرور به حرف جر (۰/۲۵) - أَنْفَع: خبر (۰/۲۵) / ب) خُلِقَ: فاعل (۰/۲۵) - نَفْسٌ: مفعول (۰/۲۵)
- ۱۷ الف) الخَفِي (پنهان) (۰/۲۵): عملی که آشکار نیست. / ب) التَّجَسُّس (جاسوسی کردن) (۰/۲۵): تلاش برای شناختن رازهای دیگران / ج) الغَيْبَةُ (غیبت) (۰/۲۵): یاد کردن آنچه دیگران در غیابشان به آن راضی نمی شوند. / د) تَنَابُز (بالاتقاب) (به یکدیگر لقب های زشت دادن) (۰/۲۵): نامیدن دیگران با نام های زشت
- ۱۸ الف) نادرست (۰/۲۵): بدگمانی که تلاشی برای کشف اسرار مردم است. (این کلمه توضیح برای کلمه «التَّجَسُّس» است.) / ب) درست (۰/۲۵): خداوند مردم را از ریشخند کردن منع می کند. / ج) نادرست (۰/۲۵): شخصی که شهوتش بر عقلش چیره نشود از چهارپایان بدتر است. (شخصی که شهوتش بر عقلش چیره نشود بهتر از چهارپایان است نه بدتر.) / د) درست (۰/۲۵): هنگامی که رفتار بد شود، خودت را عذاب می دهی.

۱۹

ترجمه متن: امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: «بزرگ ترین عیب آن است که آنچه را مانند آن در توست عیب جویی کنی»، این حدیث شریف ما را به نگاه به عیب های خودمان فرامی خواند قبل از نقد عیوب دیگران، پس هر انسانی دارای عیب ها و اشتباهاتی است و قبل از اینکه به دیگران توصیه کند، باید برای بهبود خود تلاش کند.

- الف) حدیث امام علی چه فایده ای برای ما دارد؟ یدعونا إِلَى النَّظَرِ فِي عِيُوبِ أَنْفُسِنَا قَبْلَ انتِقَادِ عِيُوبِ الْآخَرِينَ. (ما را به نگاه کردن به عیب های خودمان قبل از نقد عیب های دیگران دعوت می کند.) / ب) آیا هر انسانی اشتباهاتی دارد؟ نَعَمْ، فَكُلُّ إِنْسَانٍ لَدِيهِ عِيُوبٌ وَأَخْطَاءٌ. (بله، هر انسانی عیب ها و اشتباهاتی دارد.) / ج) انسان قبل از نصیحت دیگران چه باید بکند؟ عَلَيْهِ أَنْ يَسْعَى إِلَى تَحْسِينِ نَفْسِهِ. (باید برای بهبود خود تلاش کند.)
- ۲۰ گزینه ۱ (۰/۲۵): قیمت این شلوار چقدر است؟ خَمْسَةٌ وَ سَبْعِينَ أَلْفَ تَوْمَانٍ (هفتاد و پنج هزار تومان)

مشاوره: دانش آموزان عزیز! در تمام الگوهای سؤال، فقط نوشتن قسمتی که پیش از باژم آورده ام، واجب است؛ یعنی اگر در امتحان نهایی، با این سؤال مواجه شدید، نوشتن همین مقداری که پیش از باژم آورده ام کافی است. با توضیح اضافه، فقط روی اعصاب مصحح، رژه می روید! پس به هنگام رجوع به پاسخ نامه ها، علاوه بر اینکه در پی یاد گرفتن پاسخ درست هستید، به نحوه درست پاسخ نویسی و مقدار پاسخ هم توجه کنید؛ تا در امتحان نهایی در حد نیاز بنویسید نه بیشتر و کمتر. مطالبی که در پاسخ نامه بعد از باژم در کادرهای یادآوری، نکته و مشاوره آمده اند، یا جنبه آموزشی دارند یا مشاوره ای. طبیعی است که نیازی به نوشتن آن ها در امتحان نهایی ندارید.

پاسخ امتحان شماره ۱

- ۱ الف) نامیدن (۰/۲۵) / ب) آلوده شدن به گناه (۰/۲۵) / ج) رسوایی (۰/۲۵) / د) ترازوی (اعمال) (۰/۲۵)
- ۲ الف) عَابَ = لَمَزَ (عیب گرفت) (۰/۲۵) / ب) خَفِيَ (پنهان) / ظاهر (آشکار) (۰/۲۵)
- ۳ الف) تاب (توبه کرد) (۰/۲۵): غیبت کرد - عیب گرفت - جاسوسی کرد / ب) مَلَأَسَ (لباس ها) (۰/۲۵): همگی اسم مکان اند به جز «مَلَأَسَ: لباس ها».
- نکته:** دقت کنید که هر کلمه ای که بر وزن «مَفَاعِل» است، اسم مکان نیست و حتماً باید مفرد آن دارای معنی اسم مکان باشد. مثال: مَسَائِل (مفرد آن «مَسْئَلَة»: پرسش) است و اسم مکان نیست.
- ۴ الف) مَطَاعِم (رستوران ها) (۰/۲۵) / ب) كَبِيرَة (گناه بزرگ) (۰/۲۵)
- ۵ الف) همانا پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شده است، داناتر است. (۰/۲۵) / ب) ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان ها بپرهیزید (۰/۲۵) زیرا برخی از گمان ها گناه است. (۰/۲۵) / ج) آیا می دانی که غیبت (۰/۲۵) از مهم ترین دلایل قطع ارتباط است؟ (۰/۲۵) / د) از دیگران عیب جویی نکنید (۰/۲۵) و به آن ها لقب هایی که آن را ناپسند می دارند ندهید. (۰/۲۵) / ه) ما باید از خودپسندی دوری کنیم (۰/۲۵) و عیب های دیگران را ذکر نکنیم. (۰/۲۵) / و) خدایا همان طور که آفرینش را نیکو گردانیدی (۰/۲۵)، اخلاق را نیکو گردان. (۰/۲۵) / ز) این سوره ای که (۰/۲۵) سوره اخلاق نامیده شده است (۰/۲۵)، در آن نصیحت هایی آمده است. (۰/۲۵) / ح) قیمت ها براساس جنس ها (۰/۲۵) متفاوت است، اما خریدار (۰/۲۵) تخفیف قیمت را می خواهد. (۰/۲۵)
- ۶ الف) گزینه ۲ (۰/۲۵): ضمیر «کُم» در گزینه ۱ ترجمه نشده است، ضمناً «أهدی» یعنی «هدیه کند» نه «هدایت کند».

نکته: «هَدَى: هدایت کرد» را با «أهدى: هدیه کرد» اشتباه نگیرید.

ب) گزینه ۱ (۰/۲۵): «مَنْ» در این جمله از نوع شرط است و معنی «هر کس» دارد. «إِغْتَابَ» فعل شرط است و معنی «غیبت بکنند» دارد. همچنین «إِلَيْهِمْ» از آن ها در گزینه ۲ ترجمه نشده است.

۷ الف) پنجاه (۰/۲۵) - داریم (۰/۲۵)

نکته: «عند + اسم / ضمیر» معنای مالکیت (داشتن) دارد.

ب) دوست دارد (۰/۲۵) - گوشت (۰/۲۵) - کراهِت دارید (۰/۲۵) / ج) بسیار آموخته (۰/۲۵)

۸ الف) عوض نکنید (۰/۲۵) (نهی) / ب) نزدیک شد (۰/۲۵) (ماضی) / ج) آموزش بخواهید (۰/۲۵) (امر) / د) حرام کرده است (۰/۲۵) (ماضی نقلی)

یادآوری: قَدْ + ماضی ← ماضی نقلی

• مُجَالَسَة: هم نشینی کردن
• مُحَاصِل: محصولات «مفرد»
محصول
• مُحَاضِرَة: سخنرانی
• مُحَافِظَة: استان
• مُحَدَّد: مشخص شده
• مُحَرَّر: دماسنج
• المُحِيط الهادئ: اقیانوس آرام
• مَخْبُوء: پنهان
• مُخَضَّرَة: سرسبز
• مَدَّ (يَمُدُّ): کشید، گسترش داد
• مَرَّة: بار، دفعه
• مَرَّة: یک بار
• مَرء: مرد، انسان
• مَر: تلخ
• مَرْمِي: دروازه
• مَرهَم: پماد
• مَزَارَع: کشاورز
• مُسْتَشْرِق: خاورشناس
• مُسْتَمِع: شنونده
• مُسْتَوْصَف: درمانگاه
• مُسَجَّل: ثبت شده
• مُشَك: مُشك
• مُسَكَّنَة: آرام بخش
• مُشَاغِب: شلوغ کننده و اخلاک گر
• مُشكَاة: چراغدان
• مُصَاب: دچار
• مُصْبَاح: چراغ
• مُطْبَخ: آشپزخانه
• مُطْبَعَة: چاپخانه
• مُطْعَم: رستوران
• مَظَاهِر: نشانه ها «مفرد» مَظْهَر
• مُعَارَضَة: مخالفت
• مُعَاصِي: گناهان «مفرد» مُعَاصِيَة
• مُعْجَبَة ب: شیفته
• مُعْجَم: واژه نامه، فرهنگ لغت
• مُعَرَّب: عربی شده
• مُعَمَّر: کهنسال
• مُغْلَق: بسته
• مُفْتَاح: کلید
• مُفْرَدَات: واژگان
• مُقَابَلَة: مصاحبه
• مُقَالَ: گفتار
• مُكْتَبَة: کتابخانه

• مُكَيَّف: کولر
• مَلْعَب: ورزشگاه
• مَلْعَب رياضي: ورزشگاه
• مُلَوَّث: آلوده کننده
• مِمَّا: از آنچه
• مُنَدَّ: از زمان، از هنگام
• مَنَزَل: خانه
• مُهْدِئَة: آرام بخش
• مِهْرَجَان: جشن
• مُوَاضِفَات: ویژگی ها
• مُوَاضِع: جایگاه ها «مفرد» مَوْضِع
• مُوَظَّف: کارمند
• مُوَدَّة: دوستی
• مُوَعِظَة: پند، اندرز
• مُوقِف: ایستگاه
• مِيَادِين: میدان ها «مفرد» مِيَادَان
• مِيزَان: ترازو
• مَيِّت: مُرده = مَيِّت «جمع»
• أَمْوَات، مَوْتِي
• مَيِّت: مرده
• مَيَّة: صد
• نَالَ (يَنَالُ): به دست آورد، دست یافت
• نَبَت (يَنْبُتُ): روئید
• نَدَب (يَنْدُبُ): فراخواند
• نَدِم (يَنْدَمُ): پشیمان شد
• نِسَاء: زنان
• نَسِي (يَنْسِي): فراموش کرد
• نَشِيط: با نشاط
• نَصَح (يَنْصَحُ): نصیحت کرد
• نَصَرَ (يَنْصُرُ): یاری کرد
• نَص: متن
• نَصِف (وَصَف - يَصِفُ): توصیف می کنیم
• نَطَق (يَنْطِقُ): بر زبان آورد
• نَظَّف (يَنْظِفُ): تمیز کرد
• نَقَص (يَنْقُصُ): کم شد
• نَقَلَ (يَنْقُلُ): منتقل کرد
• نِهَایَة: پایان
• نَوَعِيَة: جنس، نوع
• نَوْم: خواب
• نَوِي: هسته
• نِيَام: خفتگان «مفرد» نَائِم

• هَدَف: گُل (در فوتبال)
• هَدَى (يَهْدِي): هدایت کرد
• هَرَب (يَهْرُبُ): فرار کرد
• هَمَس (يَهْمَسُ): آهسته سخن گفت

• وَاجَة (يُوجِهُ): روبه رو شد
• وَافَق (يُوافِقُ): موافقت کرد
• وَان: اگرچه
• وَجَد (يَجِدُ): پیدا کرد
• وَد: دوستی، عشق
• وَراء: پشت
• وَزَقَة: برگه «جمع» أَوْرَاق
• وَزَع (يُوزَعُ): پخش کرد
• وَصَفَة: نسخه
• وَضَل (يَضِلُ): رسید
• وَضَع (يَضَعُ): قرار داد
• وَفَى (يُوفِي): کامل کرد
• وَفَى التَّجِيل: احترامش را کامل به جا آورد.
• وَفَقَال: براساس
• وَلَد (يَلِدُ): زایید

• بَيْتَس (يَبْيِثُ): نا امید شد
• يَد: دست
• يَسَار: چپ
• يَمَشِي: راه می رود
• يَمِين: راست
• يَنْمُو: رشد می کند

خلاصه کیسولی

عرب ۲

- خلاصه تمام قواعد امتحان نهایی
- خلاصه تمام نکات فن ترجمه
- واژه نامه الفبایی



مهروماه



هومان

خلاصه قواعد

درس ۱: اسم تفضیل و اسم مکان

اسم تفضیل

■ اسم تفضیل بر وزن های «أَفْعَل» (مذکر) و «فُعَلی» (مؤنث) می آید.

مثال: أَحْسَن / حُسْنی • أَفْضَل / فُضْلی

■ برای مقایسه بین دو چیز یا دو شخص حتی اگر مؤنث باشد، همواره از وزن «أَفْعَل» استفاده می کنیم.

مثال: فَاطِمَةُ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا: فاطمه از خواهرش بزرگ تر است.

■ وزن «أَفْعَل» گاهی به شکل «أَقْل» و «أَفْعَلِی» در جمله دیده می شود.

مثال: أَشَدَّ / أَقْل • أَعْلَى / أَتَقَى

■ جمع وزن «أَفْعَل» بر وزن «أَفَاعِل» می آید.

مثال: أَكْبَرُ ← أَكْبَر • أَقْرَبُ ← أَقَارِب

«خَیْر» و «شَرّ»

■ کلمه «خَیْر» به معنای خوبی و «شَرّ» به معنای بدی است. این دو کلمه می توانند اسم تفضیل باشند،

به شرطی که «ال» نگیرند و بعد از آن ها «مِنْ» یا **مضاف الیه (اسم)** بیاید.

مثال: الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوْءِ: تنهایی، بهتر از همنشین بد است.

• شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ: بدترین مردم انسان دورو است.

فن ترجمه

۱ اگر بعد از اسم تفضیل، «مِنْ» بیاید؛ با «تر» ترجمه می شود.

مثال: صَدِيقِي أَفْضَلُ مِنِّي: دوستم، برتر از من است.

۲ اگر بعد از اسم تفضیل، **مضاف الیه (اسم)** بیاید؛ با «ترین» ترجمه می شود.

مثال: آسِيَا أَكْبَرُ قَارَةً فِي الْعَالَمِ: آسیا، بزرگ ترین قاره در جهان است.

۳ اگر اسم تفضیل **تنها** باشد (بعد از آن «مِنْ» یا مضاف الیه نباشد) با «تر» ترجمه می شود.

مثال: وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى: جهان آخرت، بهتر و پایدارتر است.

اسم مکان

■ مربوط به مکان انجام فعل است و بر سه وزن «مَفْعَل»، «مَفْعِل» و «مَفْعَلَةٌ» می آید.

مثال: مَشْهَد • مَسْجِد • مَكْتَبَةٌ

■ اسم مکان را با وزن «مَفَاعِل» جمع می بندیم.

مثال: مَدْرَسَةٌ ← مَدَارِس • مَنْظَرَةٌ ← مَنَاظِر

درس ۲: اسلوب شرط و ادوات آن

■ جملات شرطی در عربی از سه قسمت تشکیل می شوند:

◀ ادوات شرط (کلمات شرطی ساز): إِنْ (اگر)، مَنْ (هرکس)، مَا (هرچه)، إِذَا (هرگاه، اگر)

◀ فعل شرط: فعلی که بلافاصله بعد از ادوات شرط می آید.

فن ترجمه

■ در جملات شرطی فعل شرط را به صورت «مضارع التزامی» و جواب شرط را به صورت «مضارع اخباری»

ترجمه می کنیم. در صورتی که فعل شرط و جواب شرط ماضی باشند؛ آن ها را هم می توانیم به صورت

ماضی و هم به صورت مضارع (التزامی / اخباری) بیاوریم.

مثال: مَا فَعَلْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ، وَجَدْتَهَا ذَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ: هرچه از کارهای نیک انجام بدهی (دادی)، آن ها را

اندوخته ای برای آخرت می یابی (یافتی).

درس ۳: معرفه و نکره

■ به اسم های شناخته شده در عربی «معرفه» و به اسم های ناشناخته «نکره» گفته می شود.

انواع معرفه

۱ معرفه به «ال» (مَعْرِفَ بِال): اسم های «ال» دار در زبان عربی همگی معرفه هستند.

مثال: الْقَلَمُ • الْكِتَابُ

۲ معرفه از نوع «عَلَم»: به اسم های خاص و مشخص در عربی، اسم عَلَم می گویند که شامل اسم شخص،

شهر، کشور، قاره و... می شود.

مثال: مَرِيَم • شِيرَاز • إِيران • أُورُوتَا

■ دو نوع معرفه دیگر نیز داریم که در کتاب درسی به آن اشاره نشده، ولی شما باید آن ها را بدانید.

نکره

■ همان طور که در ابتدای مطلب گفتیم، نکره اسمی است که ناشناخته است. برای تشخیص نکره در

جمله باید بدانیم، نکره هر اسمی است که معرفه نباشد («ال» نداشته باشد و عَلَم نباشد) که غالباً با

تنوین (ـُ) همراه است.

مثال: طَالِبٌ • شَجَرَةٌ • مِنْصَدَةٌ

■ پس نتیجه می گیریم که هر اسمی که تنوین داشته باشد، نکره نیست (ممکن است اسم عَلَم باشد) و

هر نکره ای لزوماً تنوین ندارد.

فن ترجمه

■ اسم های معرفه شکل خاصی در ترجمه ندارند، اما اسامی نکره را در فارسی طوری ترجمه می کنیم که

ابتدایشان «یک» یا انتهایشان «ی» باشد.

مثال: الصَّف: کلاس • سَيَّارَةٌ: ماشینی، یک ماشین • رَجُلٌ: مردی، یک مرد

📌 نکته: هرگاه اسمی دوبار در یک متن بیاید؛ طوری که دفعه اول نکره باشد و دفعه دوم به شکل معرفه

به «ال» به کار رود، می توان در ترجمه اسم دوم از «این / آن» استفاده کرد. در واقع «ال» در این حالت،

معنای اسم اشاره دارد.

مثال: رَأَيْتُ أَفْرَاسًا وَكَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَمِيلَةً: اسب هایی را دیدم و آن اسب ها زیبا بودند.